

# نبرد خلق

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی ...

### فتوای «اولی الامر» در میان شعله های آتش

مهدی سامع

روز پنجشنبه ۶ اسفند ولی فقیه نظام و مرجع خود خوانده شیعیان جهان، آیت الله خامنه ای در دیدار با اعضای خبرگان بازمهم قیام مردم را «فتنه» خواند و افرادی که تسلیم نمایش انتخاباتی او نشدند را گناهکار بزرگ نامید. خامنه ای که فلسفه وجودی اش «نفی آزادی مردم» است از همگان خواست که به شعبده بازی «چهل ملیونی» او تمکین کنند. او گفت: «افرادی که حاضر نیستند قانون و رأی اکثریت را قبول کنند و نقطه قوتی همچون انتخابات افتخارآفرین چهل میلیونی را تبدیل به نقطه ضعف می کنند، صلاحیت حضور در چارچوب نظام اسلامی را از دست می دهند که از دست داده اند.»

بقیه در صفحه ۲

## حداقل دستمزد در سال

### ۸۹، فقر را نهادینه می کند

برخی از مهمترین حرکت های اعتراضی  
کارگران و مزدبگیران در اسفند ۱۳۸۸ به  
قرار زیر است

زینت میرهاشمی

در صفحه ۴

## انتخابات عراق

آناهیتا اردوان  
در صفحه ۱۴

## جهان در آینه مرور

### تئوری "بیشماران" و مباحث گرد آن (۵)

یللا جدیدی  
در صفحه ۷

## سرمقاله ....

### کدام بحران؟

منصور امان

بحران همچنان حیات سیاسی و زندگی اجتماعی در کشور را تحت تاثیر خود دارد. ۲۲ بهمن یک جلوه از این شرایط بود، همچنانکه خیزش شب چهارشنبه سوری نماد دیگری از آن.

### تجربه ۲۲ بهمن در سه پندار

یادآوری این امر از آن رو ضروری است که در تاثیرات اولیه ناشی از گستره ی سرکوب در نبرد ۲۲ بهمن، یک تصور نادرست از موقعیت عمومی جنبش و حکومت که اولی را در حال پس رفتن و دومی را پیش رونده معرفی می کرد، شکل گرفت. این ارزیابی از یک طرف از سوی نیروهای میانی و کم تجربه تر جنبش و با شدت بیشتر، توسط گرایشهای "اصلاح طلب" که ابتکار مستقل و خود سامان خیابان را تضعیف سیاست سنتی خود مبنی بر فشار کنترل شده از پایین می شمارند، تبلیغ می شد.

اینان پیش از ۲۲ بهمن تمام تلاش خود را برای بی رمق کردن اعتراضها در این روز و کاستن از دامنه ی آن به کار گرفته بودند. از طرح شعارهایی برای انحلال جنبش در مراسم حکومتی تا ارایه نقشه جنگی برای تبدیل نیروهای صف اول جنبش به سیاهی لشکر بی مزد آن، رد پای کوشش سازمان یافته گرایشهای مزبور برای تضعیف مضمون جدال در میدان اصلی نبرد و به انفعال کشاندن نیروها به چشم می خورد. از این رو شگفت آور نیست که پس از بلندگوهای حکومتی، پر حرارت ترین مبلغان فروکش کردن شعله های جنبش دموکراتیک، در میان همان دسته ای یافت شوند که برای ریختن آب روی آن، سطل به دست به صف ایستاده بودند.

بقیه در صفحه ۲

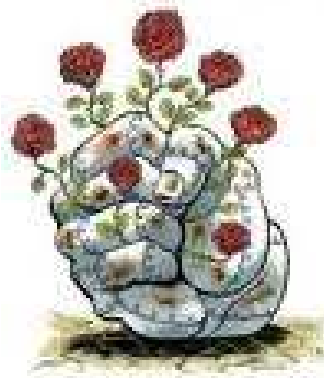
## شهامتِ تحملِ

### زمان حاضر \*

نوشته آن بادپو\*\*  
ترجمه منوچهر هزارخانی

## هواردزین در گذشت

اسد طاهری



## پیام نوروزی

### سخنگوی سازمان چریکهای

### فدایی خلق ایران

آغاز سال ۱۳۸۹، فرارسیدن عید نوروز و جشن جنبش بهار را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه ی زنان و مردان ایران زمین و به حماسه سازان جنبش بیشماران و زنان و مردان پایدار در شهر اشرف شادباش می گویم.

برایتان سلامتی، سرسبزی، سرفرازی، عشق و شادکامی و صلح و آزادی آرزو می کنم.

اندک اندک می رسد اکنون بهار

خوش به حال روزگار

بقیه در صفحه ۶

## سال ۱۳۸۸، سال

### شجاعت، شهامت و جنبش

## بیشماران

جعفر پویه

در صفحه ۱۰

## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

در صفحه ۱۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## یادداشت سیاسی.....

## فتوای «اولی الامر» در میان شعله های آتش

بقیه از صفحه ۱

مراسم خاکسپاری زنده یاد هنگامه امینی فرزند  
خانم مرضیه بانوی هنر ایران

مراسم  
خاکسپاری زنده  
یاد هنگامه  
امینی فرزند  
خانم مرضیه  
بانوی هنر ایران،  
خانم مریم  
رجوی، خانم  
مرضیه و جمع  
کثیری  
از هموطنان  
در گورستان  
شهر اورسوراواز  
در شمال پاریس،  
برگزار شد. پیکر  
هنگامه، از مقابل  
کلیسای نتردام  
اورسوراواز با  
جمع کثیری از

محمل بدار ای ساریان تندی مکن با کاروان  
کز عشق آن سرو روان گویی روانم میروم

او میروم دامن کشان من زهر تنهایی چشان  
دیگر مپرس از من نشان کز دل نشانم میروم

باز آیی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین  
کاشوب و فریاد از زمین بر آسمانم میروم

با تاسف و تائر از طرف خودم و از طرف  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
درگذشت هنگامه را به بانو مرضیه و جانان  
عزیز و همه ی دوستان هنگامه تسلیت می  
گویم.

درگذشت هنگامه عزیز نا به هنگام بود.  
عشق او به زندگی به مرضیه و به جانان و  
تلاش او برای غلبه بر بیماری بسیار شگفت  
انگیز.

هنگامه، هنگامی ما را ترک کرد که زمستان  
با نسیم فروردین ذوب می شود اما نرگس و  
بنفشه در اندوه مرضیه و جانان به سوگ  
نشسته اند.

به راستی هنگامه عزیز چه اسم زیبایی  
داری. در چه هنگامه ای ما را ترک کردی  
که ساقی طبیعت، بی می ناب در کوی و  
برزن بر چرخ گردون نظاره می کند.

هنگامه عزیز در آستانه جنبش آتش و لبخند  
شکوفه ها ما را ترک کردی و اکنون لاله ها  
تو را در آغوش می گیرند و باشد به زودی  
بهار عشق و آزادی فرا رسد و ما یک بار  
دیگر در کنار مرضیه و جانان پیکرت را به  
خاک ایران بسپاریم.

شرکت کنندگان تا گورستان همراهی  
شد. و پس از خاکسپاری در گورستان  
شهر اورسوراواز، تنی چند از دوستان و  
یاران خانم مرضیه و هنگامه و مقامات  
شهر اورسوراواز، از جمله مهدی  
ابریشمچی، زینت میرهاشمی، هادی  
خرسندی و فیلیپ شوپه نماینده  
شهردار اورسوراواز سخنرانیهایی  
کوتاهی ایراد کردند.  
پس از برگزاری مراسم تدفین زنده یاد  
هنگامه امینی، شرکت کنندگان  
در مقر شورای ملی مقاومت حضور به  
هم رساندند و فیلمی از مراسم یادبود  
در اشراف، و ادای تسلیت مجاهدین به  
خانم مرضیه، پخش شد.

متن سخنان زینت میرهاشمی در  
مراسم زنده یاد هنگامه امینی

## متن سخنان زینت

## میرهاشمی در مراسم

## خاکسپاری زنده یاد هنگامه

## امینی فرزند بانو مرضیه

ای ساریان آهسته رو، کارام جانم می  
رود  
وان دل که با خود داشتیم با دلستانم  
می رود

گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم  
ریش درون

پنهان نیمماند که خون بر آستانم می  
رود

گریزان چون شهاب از شب  
چو صبح آماده دیدار  
مبارک باد آن جامه که اندر رزم  
پوشندش  
گوارا باد آن باده که اندر فتح  
نوشندش  
شما را باده و جامه  
گوارا و مبارک باد\*

قابل پیش بینی بود که چنین فتوایی  
و تدارک گسترده برای مقابله با  
جنبش مردم نمی تواند مانع  
برگزاری مراسم شب چهارشنبه  
سوری شود. اما من اعتراف می کنم  
که هرگز فکر نمی کردم جنبش  
رنگین کمان مردم ایران چنین  
گسترده و حماسی در سراسر ایران  
از کلان شهرها تا شهرهای بزرگ و  
شهرستانها وارد عمل شود. چنین  
خروش بی سابقه ای همچنین ادای  
وظیفه و احترام به شهدای قیام  
مردم ایران و مشت محکمی بر  
دهان خامنه ای و ارادل و اوباش  
تحت ولایت او بود.

جنبش بیشماران گریزان از پلیدی  
نظام ولایت فقیه، در شب چهارشنبه  
سوری درس مهمی هم به آقایان  
موسوی و کروبی داد. این خیزش  
دلبران نشان داد که کانون ستیز  
مردم ایران حاکمیت و اصل ولایت  
فقیه است و از این نظر این جنبش  
را می توان خیزش و قیام محاربان،  
هنجارشکنان و ساختارشکنان  
تعریف کرد. اگر مساله مرکزی اصل  
ولایت فقیه نبود، زنان و مردان  
ایران زمین این گونه بی محابا  
فتوای ولی فقیه را با رقص و شادی  
در میانه شعله های آتش به سخره  
نمی گرفتند. آقایان موسوی و  
کروبی می توانند هرچقدر که می  
خواهند پند و اندرز آرامش دهند و  
به ساختارشکنان هشدار و یا آنان را  
تهدید کنند. مردم ایران با اساس  
حاکمیت یعنی اصل ولایت فقیه سر  
سازش و مماشات ندارند. محاربان،  
هنجارشکنان و ساختارشکنان خود  
را در سه شنبه شب ۲۵ اسفند در  
سراسر کشور و به ویژه در تمامی  
نقاط تهران از شهر ری تا شمیران و  
از تهران پارس تا میدان آزادی  
نشان دادند و بعید است کسی پیام  
این خیزش را دریافت نکرده باشد.

\* آرش کمانگیر، سروده سیاوش

کسرائی

خامنه ای با وقاحت تمام با خواندن  
آیه «أطیعوا الله وأطیعوا الرسول و  
أولی الأمر منکم» خود را در ردیف  
خدا و فرستاده خدا قرار داد و ولایت  
ضد مردمی اش را «نتیجه و تبلور  
اطاعت از راه و هندسه الهی» دانست.  
پس از این سخنان دیکتاتورمآبانه  
همگان منتظر بودند تا ببینند دیگران  
چه واکنشی نشان می دهند. روز  
یکشنبه ۲۳ اسفند خامنه ای که با  
دروغ برای خود در ۹ دی و ۲۲ بهمن  
پیروزی رقم زده بود در فرازی دیگر از  
بلندپروازی بی دنده و ترمزناش  
گفت: «چهارشنبه سوری هیچ مبنای  
شرعی ندارد و مستلزم ضرر و فساد  
زیادی است که مناسب است از آنها  
اجتناب شود.»

پس از این سخنان نفرت آور، همه ی  
چشمها و گوشها برای دیدن و شنیدن  
واکنش مردم ایران تیز شده بود. سوال  
اساسی این بود که آیا جنبش  
بیشماران در مقابل چنین گستاخی  
واکنش مناسب نشان می دهد و یا به  
هر دلیل و به ویژه به خاطر آشنایی با  
خوی مستبدانه و سرکوبگرانه ولی  
فقیه تن به عقب نشینی می دهد.  
نیروهای سیاسی که مساله محوری  
آنان سرنگونی استبداد مذهبی و  
تحقق آزادی و عدالت است، به طور  
قاطع و بدون تزلزل از مردم دعوت  
کردند که این جشن حماسی را این  
بار در ابعادی بزرگ تر برگزار کنند.  
آن لحظات حساس که بزندان و  
سازشکاران مردم را به آرامش دعوت  
می کردند، تاریخ ایران زمین در هر  
کوی و برزن رقم می خورد و زنان و  
مردان ایران زمین در تدارک جشن  
آتش آماده می شدند که آرش وار،  
این بار با برافروختن آتش، عکسهای  
اهریمن زمان به همراه فتوایش را به  
شعله های آتش بسپارند.

کم کمک در اوج آمد پیچ خفته  
خلق چون بحری بر آشفته

به جوش آمد

خروشان شد

به موج افتاد

برش بگرفت و مردی چون صدف

از سپینه بیرون داد

منم آرش

چنین آغاز کرد آن مرد با دشمن

منم آرش سپاهی مردی آزاده

به تنها تیر تر کش آزمون تلختان را

اینک آماده

مجویدم نسب

فرزند رنج و کار

## سرمقاله ...

## گدام بُحران؟

بقیه از صفحه ۱

در همین حال، یک برداشت مکانیکی از شرایط انقلابی - به معنای موقعیتی که در آن صف بندیهای پیشین و توازن ناشی از آرایش نیروها اعتبار خود را از دست داده و "پایین" و "بالا" در گردونه تحولات هر چه بیشتر از مرکز و نقاط استقرار گذشته خود دور می شوند - نیز نتیجه گیری وارونه از شرایط را تقویت می کرد. در این ارزیابی انتزاعی، زرفش یا حتی وجود بُحران، تابع مطلق از پارامترها در فرم و اشکال تجلی بُحران انگاشته می شود که همراه با شدت گرفتن یا کاهش یافتن نمود آنها، بُحران انقلابی نیز در کلیت خود، فراز و نشیب یا موضوعیت می یابد. برای مبلغان این نظریه آنچه که در لحظه ی معین در سطح جریان دارد، بیان کننده موقعیت کلی جنبش و نیروی مُقابل آن است و هر نبرد جداگانه در این یا آن میدان، شیپور تعیین نتیجه جنگ به طور نهایی را به صدا درمی آورد.

در این میان، خیزش سراسری چهارشنبه سوری مُحکم تر از هر استدلال کتبی یا شفاهی دیگر، موقعیت حقیقی نیروهای درگیر، آرایش عملی آنها و شرایط بدون تغییری که وجود این فاکتورها موجب شکل گرفتن آن گردیده را بیان داشته است. نه فقط ادعای فتح ظفرنمون آیت الله خامنه ای و همدستانش بر جنبش اجتماعی در صدای غرش مهیب حرکت آن در بیشتر شهرهای بزرگ کشور به ناله ای ضعیف تبدیل شد بلکه و مهم تر از آن، جنبش تجربه ۲۲ بهمن و محدودیت‌های تظاهرات بزرگ و اعلام شده در شرایط اشغال نظامی شهر را در مبارزه عملی خود به کار بست و نشان داد که با همان قاطعیت و شتابی که خواسته های خود را با موقعیت عینی سازگار کرد (جهش از "رای من کو" به "مرگ بر خامنه ای")، قادر است روشهای به چالش خواندن حکومت و هدف قرار دادن آن را نیز تکامل بخشد.

## یک مشخصه دیگر

با این وجود، افزایش فعالیت سیاسی توده ها و تغییر سریع انگاره های ارزشی و معیارهای داوری آنها تنها پارامتری نیست که از وجود بُحران انقلابی در جامعه خبر می دهد. در آثار مزبور، "نخواستن پایینها" بازتاب می یابد اما این گرایش اجتماعی با هر میزان از گسترش، هنوز برای تامین

شرایط بُحران انقلابی در نهادهای سیاسی و ساختارهای اجتماعی کافی نیست. چگونگی برخورد وجه دیگر تضاد یعنی، "بالاییها" به این تامل و کارایی وسایلی که برای زدودن یا غلبه بر آن به دست می گیرند، پایه دیگر فرارویدن وضعیت مزبور است.

هر گاه بُحران سیاست در "بالا" نیز چنان زرفش و گستره ای یافته باشد که فرمانروایان را از اعمال قدرت خود به شیوه پیشین، چه توسط قهر و چه از طریق فریب و وعده و وعید ناتوان ساخته باشد، جامعه در مجموع به وضعیت جدید و ناپایداری قدم نهاده است که در آن، دو نیروی عمده اجتماعی یعنی، اکثریت مردم و قدرت حقیقی با دفع و خنثی کردن یکدیگر، مُناسباتی بُحرانی را حاکم می کنند. وجه متمایز کننده شرایط نوین از دورانهای آرام، ویژگی انتقالی بودن آن به معنای حرکت تدریجی یا ناگهانی به سمت گذار از وضعیت موجود و تعیین تکلیف یک طرف با طرف دیگر است.

بنابراین، یک راه ساده تر از شُمردن تعداد شرکت کنندگان در مبارزه خیابانی برای نتیجه گیری پیرامون موقعیتی که جامعه در آن بسر می برد، می تواند توجه به وضعیتی که "بالاییها" در آن بسر می برند باشد. و البته نباید از یاد بُرد که "بالا" فقط به کسانی که سکان ارگانهای قدرت را در دست دارند منحصر نمی شود بلکه، طبقه ی ممتاز سیاسی را در برمی گیرد که اعضای آن چه به طور مستقیم یا غیر مستقیم، حوزه های اصلی زندگی اجتماعی را کنترل می کنند یا بر چگونگی اداره آنها تأثیر قطعی می گذرانند.

## شناسه مشهود از بُحران انقلابی: ناتوانی "بالا"

در این ارزیابی، به گونه طبیعی ابتدا طرحها و اقداماتی که حکومت از خرداد ماه سال گذشته برای چیرگی بر بُحران و شکست نیروهایی که آن را شکل داده اند در دستور گذاشته و سازمان داده است، در تیر رس نگاه قرار می گیرد. شواهد انکار ناپذیری که از درماندگی باند حاکم ولی فقیه در این زمینه وجود دارد و به مبارزه آشکار جنبش اجتماعی در بزنگاه های پُر شمار مُسکی است، سر نخهای مطمئنی برای تشخیص این ویژگی است. اما بر اساس آنچه که پیشتر اشاره شد، توصیف موقعیت قدرت رسمی به تنهایی برای نتیجه گیری وضعیت "بالا" به مثابه یک طبقه سیاسی کافی نیست. دایره مانور ساختار قدرت به منظور جبهه گیری و آرایش خود در برابر خطراتی که آن را تهدید می کند، با توانایی مجموعه ی آن می تواند تخمین زده شود. راه حل‌هایی همچون سرکوب، عقب

نشینی یا طرحهای بینابینی، سُخن‌گویی و نمایندگان مُشخص خود را دارند و منافع ویژه ای را تامین می کنند که اغلب با علایق مُدافعان طرحهای دیگر سازگار نیست. اگر اعضای طبقه سیاسی، گروهها و دسته بندیهای که در هیبرارشی قدرت پله ای را از آن خود کرده اند، قادر باشند راه حل عملی برای چیرگی بر بُحران ارایه کنند و آن را به کرسی بنشانند، در این صورت ترم "ناتوانی بالا" فقط می تواند یک تعریف سووتفاهم برانگیز مبتنی بر ارزیابی یک سوپه از موقعیت دستگاه قدرت و نه ساختار آن در مجموع بوده باشد.

از سوی دیگر، هر گاه حکومت به مثابه یک مجموعه و با تمام استراتژیها و روشهای مُتنوعی که اعضای آن آزمایش می کنند، از این کار ناتوان باشد، در این صورت تعریف "ناتوانی بالا" از وضعیت آن، دقیق و عینی بوده و شرط مزبور به عنوان یکی از پارامترهای اساسی برای شکل گیری بُحران انقلابی را تامین شده می توان پنداشت.

بر این پایه، توجه به تحرک نیروهای "خودی" خارج از دستگاه قدرت برای مهار یا کنترل جنبش یک ضرورت چشم پوشی ناپذیر است. اگر چه رویکرد مُعترضانه این دسته از نیروهای درون "نظام" (ساختار قدرت) مانند باند "دوم خرداد" یا باند آقای رفسنجانی می تواند به ظاهر و به گونه گمراه کننده ای جایگاه اجتماعی آنها را در بیرون از مدار حکومت آدرس بدهد اما واقعیت آن است که به دلیل علایق ثابت اینان در حفظ مُناسبات پایه ای که جمهوری اسلامی بر آنها قرار گرفته، توانایی یا ناتوانی این بخش از "نظام" در برخورد به مساله بُحران، به گونه تعیین کننده ای تعریف از "بالا" و مشخصه آن را شکل می دهد.

در این راستا، تلاشهای ناکام آقای رفسنجانی در جهت قبولاندن یک راه حل میانه به باند ولی فقیه که دربرگیرنده منافع دو طرف باشد و همچنین کوشش بی فرجام باند "دوم خرداد" برای نگه داشتن جنبش اجتماعی در چارچوب نظام به منظور بهره برداری از آن در نقش ابزار فشار، تصویر فراگیر تری از موقعیت حکومت و ظرفیتهای آن را ارایه می کند. هر گام بی نتیجه آنها هنگامی که در کنار اقدامات ناموفق باند نظامی - امنیتی ولی فقیه قرار گیرد، بر وجود بُحران انقلابی که نه فقط بخشهایی از سیستم دولتی بلکه، بُنای آن را تحت تأثیر خود گرفته، گواهی می دهد.

## شناسه هایی که بُحران در "پایین" را "انقلابی" معرفی می کند

افزوده بر پارامتری که پیشتر بدان اشاره گردید، ویژگی "انقلابی" بُحران کنونی تا آنجا که به نیروی مُحرك آن در "پایین" مربوط می شود، در درجه نخست از نوع و مضمون شعارها و مُطالباتی که مطرح می کند و نیز از چگونگی حرکت آن در عمل برای به واقعیت گرایاندن خواسته هایش سرچشمه می گیرد. در همان هنگامی که جنبش بساط انتخابات نمایشی حکومت را به هم می ریزد و خواستار ابطال آن می گردد، سقف تحمل حکومت را شکافته و سرپیچی از قواعد بازی آن برای فرمان رانند بر خود را به رُخش کشیده است. توده ها آنچه را که تاکنون در شرایط عادی و انفعال هضم کرده بودند، دیگر بر نمی تابند، علیه آن سر به شورش بر می دارند و عاملان اش را به مبارزه آشکار می طلبند.

جنبش اجتماعی در همین حال نماد سیستم، خامنه ای و جایگاه تخته کوب شده ی او در قانون اساسی و نیز ساختار قدرت را چه در شعارهایش و چه به صورت عملی آماج حمله مُستقیم خود قرار داده است و بدینوسیله تمایز مُبارزه ی در جریان را از تلاشهای اصلاح گرایانه برای تغییرات خرد در چارچوب کِلان به نمایش گذاشته است. پیام روشن شعارهای جنبش، نا باوری آن به امکان هر گونه تغییری در وضعیت بی حقوقی جامعه با وجود تداوم شرایط حاکم است. جنبش با پیش کشیدن شعارهای مُستقل، با دست زدن به اقدام خود سامان، در حقیقت مُمكن ناپذیر بودن اصلاحات و دگرگونی توسط وسایل و روشهایی که آرموده شده اند را مورد تأکید قرار می دهد. خواست اصلاح عمومی و نه اصلاحات جداگانه که از این درک برخاسته است و در پی آن، کشاندن نبرد به کانون مرکزی قدرت، مضمون تغییراتی که جنبش طلب می کند را بُنیادی و به همین اعتبار، انقلابی معرفی کرده است.

ویژگی بُحران کنونی را از یک زاویه مهم دیگر نیز می توان انقلابی دانست. بدین گونه که اقدامات سرکوبگرانه حکومت به جای آن که توده های مُعترض را خاموش یا فلج کند، آنها را با شدت بیشتری علیه خود برمی انگیزد و بخشهای گسترده تری از جامعه را درگیر زندگی سیاسی می کند. تضاد راه حل‌های حکومت با سطح آگاهی جامعه، ارزشهای مورد قبول آن و - از همه بُحران زا تر - خواسته هایی که دارد، کشاکش بین دو نیروی عمده را با شتاب به تضادی آشتی ناپذیر فراز داده است.

## چکیده

بدون توجه به احکام مصلحت جویان دروغین و عریبه های مستانه حکومت پس از اشغال نظامی تهران در ۲۲ بهمن، جنبش اجتماعی در اولین فرصتی که یافت، بی شمار و رزمنده در برابر چشم‌های هراسان گورکنان خود خوانده اش پدیدار شد و سینه سپر کرد. تنها یک بُحران انقلابی قادر است بر فراز آفت و خیزها به حرکت ادامه دهد و توده ها را در کنش و واکنشهایی که بر می انگیزد، در جریان عمل آموزش دهد.

## حداقل دستمزد در سال ۸۹، فقر را نهادینه می کند

زینت میرهائمی



### تصویب بودجه نظامی امنیتی سال ۸۹

روز دوشنبه ۱۷ اسفند، کلیات بودجه سال ۸۹ که توسط دولت احمدی نژاد به مجلس ارائه شده بود، با ۱۵۱ رای موافق، ۶۲ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع از مجموع ۲۲۶ نماینده حاضر به تصویب رسید. تصویب کلیات این لایحه، بار دیگر بر نقش بی رنگ مجلس و یکه تازی احمدی نژاد در راس دولت پاسداران تاکید گذارد. بی اعتنایی احمدی نژاد به قوه مقننه در تنظیم بودجه سال ۸۸، آن قدر واضح بود که صدای هواداران احمدی نژاد در مجلس را هم درآورد. احمد توکلی، یکی از نماینده های رژیم در مجلس، در رابطه با قدرت دولت در بودجه در مصاحبه ای با روزنامه حکومتی اعتماد در تاریخ سه شنبه ۲۰ بهمن گفت: «معنای این حرف این است که اصلاً بودجه بی نوشته نمی شود و هیچ رقمی قابل اتکا نیست.»

تظیم بودجه سال ۸۹ انعکاسی از قدرت گیری پاسداران در بخشهای اقتصادی کشور و نیز نظامی کردن اقتصاد ایران است. افزایش چشمگیر بودجه دستگاههای نظامی و امنیتی به شمول بسیج و سپاه و سازمانهای رنکارنگ وابسته به ولایت فقیه بر این نهاد تاکید می گذارد.

الیاس نادران یکی دیگر از نماینده های حامی دولت، در این مورد گفت: «این لایحه در واقع مجموعه ای از اختیارات است که به دولت داده شده که بر اساس آنها می تواند به هر نحوی صلاح بداند بودجه را طی سال ۸۹ بنویسد و به هر نحوی که مصلحت بداند به آن عمل کند.»

در مطلب ماه گذشته به تنظیم بودجه سال ۸۹ اشاره کردیم. به افزایش بودجه ای که نهادهای وابسته به دولت و حامیان دولت تحت عنوان کانونها، انجمنها و ... اشاره شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد رژیم در گفتگویی با خبرگزاری فارس ۱۸ اسفند، از افزایش بودجه کانونهای مساجد به ۲۵ میلیارد تومان در سال ۸۹ خبر داد.

بقیه در صفحه ۵

برآورد می شود. نهادهای غیر رسمی آن را بالای ۳۰ اعلام می کنند.

احمد توکلی یکی از نماینده های مجلس رژیم گفته است که «اجرای لایحه دولت رشد منفی اقتصاد و تورم ۵۰ درصدی را برای سال آینده در پی خواهد داشت.» (رادیو فردا ۱۸ اسفند) در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ تعدادی از تشکلهای مستقل کارگران طی بیانیه ای در مورد حداقل دستمزد در سال ۸۹ اعلام کردند که: «سه گروهی که در این شورا برای تعیین دستمزد کارگران گرد هم می آیند هیچ کدام مدافع منافع و یا هم منفعت با کارگران نیستند. حتی اگر به جای نماینده خانه کارگر و شورای اسلامی کار، نماینده ای به انتخاب کارگران در این شورا حضور داشته باشد، باز هم کاری از دست او بر نمی آید.»

تشکلهای کارگری که این بیانیه را امضا کرده اند عبارتند از: «هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، کارگران فلزکار مکانیک، شورای همکاری تشکلهای فعالین کارگری؛ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، جمع شورایی فعالین کارگری»

این تشکلهای مواضع خود را به شرح زیر اعلام کرده اند:

«۱- شورای عالی دستمزد بر اساس ماهیت اش و همبطنی بنا به سابقه و عملکرد تا کنونی اش صرفاً شورای عالی تشدید استعمار کارگران و حمایت عالی از منافع سرمایه داران بوده و هست.

۲- تعیین دستمزد کارگران باید بر اساس نیازهای لازم برای حداقلهای یک زندگی مرفه و انسانی توسط نمایندگان واقعی کارگران و از سوی تشکلهای مستقل کارگری انجام گیرد.

۳- حتی رقم رسمی و دولتی اعلام شده از سوی ارگانهای وابسته به حاکمیت سرمایه، برای خط فقر، مبلغ ۹۰۰ هزار تومان درآمد در ماه برآورد و اعلام شده است. لذا اعلام حداقل دستمزد کمتر از ۹۰۰ هزار تومان در سال ۸۹، به منزله ی محکوم کردن کارگران به یک زندگی فلاکت بار و زیر خط فقر، توسط دولت و نهاد های حاکمیت سرمایه به صورت آشکار و رسمی می باشد. و در این صورت کارگران حق خود میدانند که به هرگونه دستمزد زیرخط فقر، عکس العمل مناسب و متحدی نشان دهند.»

همچنین نبود نماینده واقعی کارگران و اضافه بر آن، سرکوبگری فعالان کارگری توسط حکومت، شرایط برای استثمار بیشتر و پرداخت مزد کمتر برای سرمایه داران از هر هنگام مناسب تر است. در این شرایط، وزن نماینده منافع سرمایه داران سنگین تر خواهد شد و در همسویی با نماینده دولت، امکان پیشبرد منافع آنان بیشتر فراهم است.

نماینده ای که در این نهاد تصمیم گیری ظاهراً به عنوان نماینده کارگران شرکت می کند، به هیچ وجه نماینده واقعی کارگران نیست و لذا کانون توجه آن نه منافع کارگران و بهبود شرایط زندگی آنان بلکه بر پایه حفظ منافع حکومت است. این نماینده از طرف خانه کارگری، نهادی دولتی و وابسته به حکومت و از طرف کانون عالی شوراهای اسلامی کار که تشکلی دست ساز حاکمیت است، تعیین می شود. در انتخاب این نماینده کارگران و نیز سندیکاهای کارگری مستقل نقشی ندارند. در چنین وضعیتی میزان رقمی که از این نهاد حکومتی بیرون می آید از چالشهای جنبش کارگری با حکومت خواهد بود.

با چنین ترکیبی که گفته شد، شورای عالی کار در جلسه روز ۲۲ اسفند، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۹ را ۳۰۳ هزار و ۴۸ تومان تعیین کرد. حداقل دستمزد در سالی که گذشت ۲۶۳ هزار تومان بود.

ظاهراً این افزایش نسبت به سال قبل معادل ۱۵ درصد است. اما اگر رشد تورم و نیز رشد قیمتها را به حساب آوریم، این رشد ۱۵ درصدی حداقل مزد نه تنها اضافه نشده بلکه وضعیت معاشی کارگران سیری منفی خواهد داشت. با توجه به خط فقر که برخی از نهادهای حکومتی و کارگزاران آن در دعوای جنجالی افشا می کنند، بالای ۹۰۰ هزار تومان است و اجرا شدن طرح یارانه ها و حذف سوبسیدها و افزایش قیمتها و نرخ ۵۰ درصدی رشد تورم، دستمزد تعیین شده که خود زیر فقر مطلق است، به کاهش فقر منجر نخواهد شد و فقر و تنگدستی را نهادینه می کند.

نرخ تورم از طرف دولت سرپوش گذاشته می شود و بسیار پایین تر از نرخ واقعی آن اعلام می شود. مبنای نرخ تورم برای شورای عالی کار نرخ ۱۱ درصدی است. در حالی که نرخ تورم از طرف بانک مرکزی و نیز مراکز دیگر دولتی بین ۲۵ تا ۳۵

در روزهای پایانی سال ۸۸، چون سالهای قبل، حداقل دستمزد کارگران و مزدبگیران بدون حضور نمایندگان کارگری و نظرخواهی از آنها در شورای عالی کار تعیین شد. مساله مربوط به پایه زندگی و معشیت کارگران، در شرایطی غیر دموکراتیک و تنها با در نظر گرفتن منافع سرمایه داران و دولت حامی آنان، تعیین شده است. حداقل دستمزد برای سال ۸۹ در مقایسه ای ساده با داده های آماری (حتی ارقام نهادهای وابسته به حکومت) و برآوردهای محاسباتی نرخ تورم و بالارفت قیمتهای مواد خوراکی و پوشاکی و نیازهای اولیه زندگی، نه تنها به بهبود وضعیت معاشی کارگران یاری نخواهد رساند بلکه به فقر و تنگدستی بیشتر آنها و نیز افسار کم درآمد جامعه منجر خواهد شد. به میزانی که این فقر افزایش پیدا کند، سود حاصل از دستمایه و رنج کارگران در جیبهای سرمایه داران اضافه خواهد شد.

بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی، شورای عالی کار متشکل از سه نماینده با در نظر گرفتن دو پارامتر، یعنی نرخ تورم و سید هزینه کارگران، موظف به تعیین حداقل دستمزد سالانه است. این شورا به دلیل ترکیب آن، و عدم رعایت دو پارامتر در نظر گرفته شده مشروعبیتی برای کارگران و مزدبگیران ندارد. بر این سنگ پایه تصمیم بر آمده از این شورا به هیچ وجه در راستای منافع کارگران و مزدبگیران نیست.

شورای عالی کار از چه کسانی تشکیل می شود؟ این شورا باید از نماینده دولت در جایگاه کارفرمای بزرگ، نماینده کارفرمایان و نماینده کارگران تشکیل شود. موقعیت نماینده دولت در برابر کارگران مشخص است. فعالان کارگری به دلیل دفاع از اولیه ترین حقوقشان زندانی، شکنجه به حبس محکوم شده اند. جرم آنها تلاش برای دستیابی به حقوق خود است. یکی از جرمهای فعالان کارگری، مبارزه برای برخورداری از مزد عادلانه در برابر فروش نیروی کارشان است. نماینده دولت در شورای عالی کار که نهادی حافظ قدرت کارفرمایان است در جهت منافع کارگران گام بر نمی دارد. نماینده دوم از طرف کارفرمایان است. به دلیل فقدان تشکل مستقل کارگری که بتواند امر مبارزه برای دستیابی به مزدی عادلانه را رهبری کند و



### حداقل دستمزد در سال ۸۹، فقر را نهادینه می کند

بقیه از صفحه ۴  
وزیر ارشاد تعداد این کانونها را که شامل این بودجه می شوند ۷ هزار کانون دانسته است.

بودجه سالانه این کانونها طی ۵ سال، ۱۳ برابر شده است. محمد حسینی وزیر ارشاد در همین گفتگو اشاره می کند که: «بودجه سالانه کانونها از یک میلیارد و ۶۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۸۴ به ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ هزار تومان در سال ۸۸ رسیده است.»

بودجه سال ۸۹ بر اساس نظر کارشناسان اقتصادی، باعث افزایش نرخ تورم، کاهش تولید داخلی و تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی و افزایش وابستگی به درآمدهای نفت و نیز کاهش اشتغال خواهد شد. تنظیم این بودجه، در جهت فربه تر شدن دولت نظامی امنیتی و سرمایه داران و فقیرتر شدن مردم خواهد بود.

اوضاع چقدر خراب است که نادران از حامیان دولت احمدی نژاد در مجلس هشدار داد که آن چه نوشته شده «سازی است که صدای آن چند سال دیگر در می آید.»

مزد عادلانه، مشارکت کارگران در تعیین سرنوشت خود برای تعیین مزد از طریق تشکلهای مستقل کارگری، از اولیه ترین حقوق انسانی کارگران است. همبستگی و اتحاد کارگران و فعالان کارگری همراه با جنبش مردمی می تواند جنبش کارگری را برای دستیابی به حقوق خود پیش ببرد. در ماه گذشته جنبش کارگری همچنان در تب و تاب و در مبارزه بود

### برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در اسفند ۱۳۸۸ به قرار زیر است.

\*به گزارش آژانس ایران خیر کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان صبح شنبه اول اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان به مدت یک سال مقابل فرمانداری تجمع کرده اند.

\*از روز شنبه اول اسفند کارگران صنایع مخابراتی راه دور (ITI) در شیراز دست به اعتصاب زدند و در جاده منتهی به کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این اعتصاب طی روزهای یکشنبه و دوشنبه در مقابل استانداری فارس ادامه یافت.

\*کارگران در ادامه اعتراض خود روز چهارشنبه ۵ اسفند به تجمع

مجمع صنایع قائم رضا به دفتر این مجتمع واقع در سه راه توحید شهر اصفهان تجمع اعتراضی بر پا کردند.

به گزارش شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات از دفتر شرکت خارج شده و وارد خیابان شدند و به گفتگو با عابران پیاده و سرنشینان خودروهای عبوری پرداختند و مشکلات خود را با آنان مطرح کردند.

حرکت کارگران شرکت میلاد تحت تاثیر تجمع روز شنبه کارگران شرکت متک صورت گرفت. کارگران در طی تجمع خود بارها این موضوع را بیان کرده و از همکاریشان در شرکت متک ستایش نمودند.

شرکت میلاد در شهرک صنعتی فولاد در شهرستان لنجان واقع است و در زمینه طراحی و ساخت سازه های فلزی فعالیت دارد.

\*روز یکشنبه ۹ اسفند، کارگران کبان تایر دست به یک تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش آژانس ایران خبر این کارگران در حالی که بیش از چهار ماه حقوق معوقه داشته و از گذشته نیز مانده حساب دارند دست به اعتصاب و تجمع مسالمت آمیز زدند و خواهان حقوق خود و عیدی شان شدند و گفتند که تا دریافت حق خود به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

\*کارگران نساجی مازندران به دلیل عدم دریافت ۵ ماه حقوق معوقه خود و بلا تکلیفی صبح روز سه شنبه ۱۱ اسفند از مسیر کارخانه جاده نظامی قائمشهر به سمت فرمانداری قائمشهر به حرکت درآمدند.

به گزارش شمال نیوز، مسئولان فرمانداری قائمشهر به نیروهای حراست دستور دادند که از حضور خبرنگاران رسانه‌های جمعی در بین کارگران ممانعت کردند.

\*تعدادی از کارگران کارخانه ریسندگی بافندگی سیمین اصفهان در اعتراض به عقب افتادن دریافت حقوقشان روز چهارشنبه ۱۲ اسفند روبروی استانداری اصفهان تجمع کردند. این کارگران خواستار توجه استانداری اصفهان به وضعیت کارگران کارخانه سیمین و حل مشکلات آنان شدند.

یکی از کارگران در پاسخ به پرسش خبرنگار ایلنا در خصوص این که چرا با وجود عدم دریافت حقوق هنوز به کار خود ادامه می‌دهید؟ گفت: چاره‌ای جز این نداریم و اکنون زندگی همه ما به سختی می‌گذرد و رو به نابودی است و مسئولان کارخانه نسبت به این مساله بی تفاوت هستند.

\*در پی آخرین اعتصاب کارگران شرکت احیاگستران اسپادان در ذوب آهن اصفهان و بازتاب رسانه ای آن فشار بر کارگران این شرکت شدت گرفته است. به گزارش روز پنجشنبه ۱۳ اسفند هرانا به نقل از شورای کارگران ذوب آهن اصفهان، در طی این اعتصاب حراست ذوب آهن از تجمعات کارگران شرکت و گفتگوهای آنان با مدیران کارخانه فیلمبرداری کرد و کارگرانی را که در اعتصاب نقش فعال تری داشتند شناسایی کرد.

\*کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اعلام کرد که شماری از فعالان کارگری و اعضای این تشکل کارگری در شهرهای سنج، نقده و اشنویه بازداشت، احضار و یا بازجویی شده‌اند.

بر اساس این گزارش که هرانا روز ۱۵ اسفند آن را بازتاب داده، صمد احدیپور، عباس هاشمیپور، رحمان ابراهیمزاده، رحمان تنها، عیسی ابراهیمزاده، فتح سلیمانی و حسین پیروتی در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند.

فواد شبکی فرد، کاوه گل محمدی، آزاد میرنیا و شعیب صابری احضار و یا بازپرسی شده‌اند.

غلامرضا خانی و همایون جابری، دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به دادگاه فراخوانده شده و به دلیل فعالیت‌های صنفی‌شان مورد محاکمه قرار گرفته‌اند.

شماری از فعالان کارگری مانند منصور اسانلو و ابراهیم مدبی، رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، علی نجاتی و چند تن دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و محمد اشرفی، از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، زندانی هستند.

\*کارگران قطار شهری در کرج روز شنبه ۲۲ اسفند در محل ورودی مکان عملیات ساخت رمپ قطار شهری تجمع و در آن را با سیم مهر کرده و از هرگونه ورود و خروج از جمله خروج پیمانکار خود ممانعت کردند. به گزارش حقیقت نیوز این کارگران بیش از چهار ماه است که حقوق دریافت نکرده و در آستانه سال نو فشار مالی مضاعفی بر آنان وارد شده است.

\*جمعی از کارکنان پیمانکاری برج میلاد (وابسته به شهرداری تهران) صبح روز یکشنبه ۲۳ اسفند در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه مطالبات معوقه خود مقابل محوطه این برج تجمع کردند.

به گزارش ایلنا کارگران معترض برج میلاد با بیان این که تنها بابت دستمزدها، شهرداری باید ۲۰۰ میلیون تومان هزینه کند، افزودند: به دنبال تجمع امروز مسئولان پروژه وعده دادند که تا ۴۸ ساعت دیگر تکلیف مطالبات معوقه روشن خواهد شد.

بقیه در صفحه ۶

## پیام نوروزی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱

آرزو می کنم که سال جدید سال دگرگونیهای اجتماعی برای ایرانی دیگر، ایرانی عادلانه، سرشار از عشق و دوستی و خالی از هر نوع جنگ و ستم و تبعیض جنسی، مذهبی، ملی و قومی باشد.

در لحظاتی که مشتاق فرارسیدن هنگامه تحویل سال نو هستیم؛ در حالی که نسیم بهاری، مژده ی به سرآمدن زمستان و دگرگونی و زایش طبیعت را می دهد؛

و ما در شوق دیدار بهار آزادی قلبهایمان می تپد؛

و با نگاه مجدد به تصاویر زنان و مردانی که طی سال گذشته به خیزشها و قیامهای سترگ دست زدند، و با گامهای استوار برای فرارسیدن بهار آزادی بیا خواستند؛

در لحظاتی که در اندوه شهادت ندا، مینا، سهراب، فاطمه، کامبیز، مصطفی، کیانوش، مهدی، امیر، ایمان، محسن، بهزاد، شعیان، مهرداد، مسعود، اشکان، ترانه، آرش، مریم، حنیف، ب همن، آرمان، علی، شاهرخ، احسان، سیاوش، فردین و دهها تن دیگر از جوانان کشورمان هستیم

ایمان بیاوریم که:

نفس باد صبا مشگ فشان خواهد شد. عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد.

و ایمان بیاوریم که از خون جوانان ما لاله خواهد دمید و شکوفه های بهار آزادی شکفته خواهد شد و نهال آزادی به بار خواهد نشست.

پس با آغاز سال جدید به مزار شهدای جنبش بیشماران می رویم و با وجود غم و اندوه فقدان عزیزانمان فراموش نمی کنیم که:

بهاران خوش است

گل روی یاران خوش است  
شکست غم روزگاران خوش است.

هم میهنمانم، زنان و مردان ایران زمین

در سال گذشته ولی فقیه حکومت در ادامه سیاست بی دنده و ترمز برای یک پایه کردن حاکمیت اقدام به برگزاری یک شعبده بازی انتخاباتی نمود و با حقه بازی و تقلب گماشته اش را در مصدر ریاست جمهوری اسلامی نشانند.

## یاد زندانیان سیاسی و فرزندان گروگان گرفته شده را گرامی بداریم

جعفر پویه

رژیم جمهوری از ترس جنبش اجتماعی مردم هر جا که دستش رسیده و هر گاه که ممکن شده عده ای را دستگیر و روانه بازداشتگاه ها کرده است. همچنین برای به وجود آوردن جو رعب و وحشت، سردمداران نهادهای سرکوبگر در آستانه روزهای خاص تهدید می کنند و هشدار می دهند که هر کس را دستگیر کنند چنین و چنان خواهند کرد. این بی قانونی و خودسرانه، این شلتاق کردن سرکوبگران و اوباشان رژیم و دستگیریهایی بی حساب و کتاب بهترین گواه استبداد حاکم بر میهن ماست. دار و دسته علی خامنه ای، ولی فقیه درمانده رژیم راه دیگری جز زندان و شکنجه و اعدام برای پاسخ به خواسته های برحق مردم ندارد. آنان هر کسی که به دستورهایشان گردن نگذارد را با بهانه های واهی دستگیر کرده و روانه بازداشتگاه های با نام و بی نام می کنند.

اکنون در آستانه سال نو و شب عید، خانواده های بسیاری نه تنها عزیزان دستگیر شده شان را در کنار خود ندارند بلکه، بسیاری نیز در بی خبری مطلق نسبت به سرنوشت آنها بسر می برند. رژیم ولایت فقیه از یک سو افراد دستگیر شده را در سیاهچالهای خود و در بندهای امنیتی به مدتهای طولانی در انفرادی حبس می کند، آنان را به شیوه های متفاوت تحت شکنجه و بد رفتاری قرار می دهد و از سوی دیگر خانواده های آنان را در نگرانی از سرنوشت نا معلوم عزیزانشان بین نهادهای سرکوبگر خود سرگردان می کند و هیچگونه خبری از فرد بازداشتی به آنان نمی دهد. اینگونه رژیم همزمان با فرد بازداشتی، شکنجه و فشار روحی را به خانواده های آنان نیز گسترش می دهد و به زبان ساده کشوری را تبدیل به زندان و شکنجه گاه کرده است.

اکنون روزهای متمادی است که خانواده های بازداشت شدگان در مقابل نهادهای سرکوبگری رژیم، به ویژه زندان اوین و گوهردشت تجمع می کنند. بعضی از آنان خواهان خبری از عزیز بازداشت شده خود هستند. بسیاری خواهان تعیین تکلیف و عده ای نیز خواهان آزادی زندانیان و کسانی که توسط رژیم گروگان گرفته شده هستند. رژیم جمهوری اسلامی همچون رویه خود در سطح

بین المللی که دست به گروگانگیری می زند و با باج خواهی امورات خود را می گذراند، اکنون مدتهاست که فرزندان مردم ایران را گروگان گرفته و سعی می کند از این طریق خانواده های آنان را وادار به اطاعت یا سکوت در مقابل رژیم ولی فقیه کند. مردم با این گونه عملکرد رژیم نه تنها مرعوب نشده بلکه، هر روز تعداد معترضان و تجمع کنندگان در برابر نهادهای سرکوبگری و زندانهای رژیم بیشتر می شود.

باید به حمایت از خانواده های زندانیان معترض رفت. باید صدای اعتراض آنان را به گوش همه جهانیان رسانید. باید با تجمع در مقابل زندانها و نهادهای سرکوبگری رژیم، آرامش را از سرکوبگران سلب کرد و وادارشان ساخت تا فرزندان گروگان گرفته شده مردم را آزاد کنند. در روزهای عید که بسیاری از سرکوبگران به خیال خود به مرخصی رفته اند و فرزندان مردم را در سیاهچالها رها کرده اند، با برگزاری تجمعی اعتراضی در مقابل زندانها و برگزاری مراسم سنتی عید در آنجا شادی را به دیوارهای زندان نزدیک کنیم و هر ماه با خانواده ها یاد عزیزان دربند را گرامی داشته، همچون خاری در چشم ولی فقیه و گماشتگان او عمل کنیم.

فراسوی خبر ۲۸ اسفند

\*\*\*\*\*

## برخی از مهمترین رویدادهای کارگری

بقیه از صفحه ۵

\*کارکنان شرکت پخش جمشید (کفش بلا) روز سه شنبه ۲۵ اسفند درمقابل دفتر مرکزی این شرکت درمیدان هفتم تیر تهران تجمع کردند. به گزارش اینلنا این واحد در گذشته حدود ۳۰۰ فروشگاه داشت اما امروز برخی مدیران همین تعداد ۱۶۰ فروشگاه را هم برنمی تانند و درصدد فروش ۲۰ فروشگاه هستند. شرکت پخش جمشید وابسته به بانک ملی است.

## پیام نوروزی سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه

سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه فرارسیدن نوروز باستانی را به عموم ملت ایران و علی الخصوص کارگران زحمت کش و شریف تبریک گفته و امیدواریم درسال جدید، هیچ کارگری درزندان نیافتد و هیچ کارگری به خاطر حق طلبی از کاراخراج نرود. اینها عمیقترین رویایه ماست.

نوروزتان پیروز

۲۹/۱۲/۱۳۸۸

سرکوب، آزار، برونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

## جهان در آینه مرور

## تئوری "بیشماران" و مباحث گرد آن (۵)

لیلا جدیدی

## پست مدرنیسم، مبارزه طبقاتی و تئوریهای آنتونیو نگری

در چهار شماره پیشین نشریه نبرد خلق در سلسله مقاله های "تئوری بیشماران و مباحث گرد آن" به بررسی نظرات "آنتونیو نگری" و "مایکل هارت" که در دو کتاب "امپایر" یا "امپراتوری" و "مالتیپود" یا "بیشماران" تشریح شده اند پرداختیم. همچنین مباحثی که این تئوری را رد کرده و یا از آن پشتیبانی می کنند را مورد بررسی قرار دادیم. در بسیاری موارد نیز پاسخهای آنتونیو نگری به مخالفان نظریه خود را مطالعه کردیم.

از آنجا که بخش وسیعی از تئوریهای آنتونیو نگری بر دیدگاه پست مدرنیسم وی بنا گردیده، در این بخش تلاش می کنیم آشنایی بیشتری با این دیدگاه داشته باشیم. در باره پست مدرنیسم سخنان زیادی گفته شده است. بسیاری از فلاسفه و جامعه شناسان به صورتهای گوناگونی آن را تشریح کرده اند. آشنایی با این تعاریف و درک بیشتر این دیدگاه، به ما در شناخت تئوریهای نگری و طرح جنبش "بیشماران" کمک خواهد کرد.

## پایه گذاران پست مدرنیسم

"میشل فوکو" (۱۱۵ اکتبر ۱۹۲۶ - ۲۴ ژوئن ۱۹۸۳)، فیلسوف، تاریخدان و متفکر معاصر فرانسوی است. او به خاطر نظریات عمیق و دیدگاه انقلابی درباره جامعه، سیاست و تاریخ از سرشناسترین متفکران قرن بیستم محسوب می شود. وی از رهبران نظریه پسا ساختگرایی می باشد. آنتونیو نگری تحت تاثیر نظرات او تئوریهای خود را شکل داده است.

فوکو می گوید که هر رابطه اجتماعی، یک رابطه قدرت است. اما او یادآور می شود که هر رابطه قدرت به طور ناگزیر به یک سلطه ختم نمی شود. از نظر او قدرت در جامعه مدرن، نظامی از روابط مبتنی بر دانش (شبکه دانش/ قدرت) است که فرد را در درون خود جا می دهد. به این معنا که فرد، همزمان که شناخته می شود (از سوی عوامل بیرونی ثبت می شود و یا از درون، خود را مطابق هنجارها و دانش تحمیل شده از سوی اجتماع می فهمد و طبقه بندی می کند) یا تحت نظام دانشهایی چون پزشکی،

بگیرد، استفاده گردد و چه معنایی داشته باشد را نادیده می گیرد. مدرنیسم بین سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۰ دوران اوج خود را طی کرد. چهره های شاخص ادبیات مدرن به عنوان پایه گذاران مدرنیسم قرن بیستم، به توصیف مجدد این امر که شعر و داستان باید چگونه باشد و چه کاری می تواند انجام دهد، کمک کردند.

نوگرایی به دوره زمانی یا شرایطی گفته می شود که با انقلاب صنعتی و یا نهضت روشنفکری شناسایی می شود. این گونه بیان می گردد که یکی از کاربردهای نوگرایی، پرورش پیشرفت و ترقی است که از طریق به کارگیری اصول منطق، سلسله مراتب در بخشهای عمومی و هنری زندگی به دست می آید.

یکی از شاخص ترین تفاوتها بین نوگرایی و پسا نوگرایی، نگرانی از جامعیت یا کلیت است. نوگراها جامعیت یا کلیت در برخی صحنهها را هدف قرار می دهند. پست مدرنیستها این تمایل را کنار می زنند.

برخی از فیلسوفها مانند "جین فرانکوئیز لیوتارد" و "جین بادریلارد" نوگرایی را به عنوان یک وضعیت فرهنگی که دارای خصوصیت تغییر مداوم در جهت پیشرفت است می شناسد. همچنین پسانوگرایی را ارایه کننده مرز نهایی این پیشرفت می دانند که در آن تغییرات مکرر به صورت پدیده های عادی در آمده و پندار پیشرفت به کهنگی می گراید.

پست مدرنیسم از بیشتر عقاید مدرنیسم پیروی می کند، در حالی که منکر مرزبندی میان اشکال والا و پست و تمایزات ثابت است و بر تقلید، کنایه و فکاهی بودن تاکید دارد. هنر و اندیشه پست مدرن از انعکاس پذیری، ناخودآگاهی، از هم گسیختگی و ناپیوستگی به ویژه در ساختارهای روایی، ابهام و تقارن زمانی حمایت کرده و بر موضوعاتی فاقد ساختار و ثبات تاکید می ورزد.

پست مدرنیسم از ایده پراکندگی و موقتی بودن و فقدان انسجام حسرت نمی خورد بلکه، بیشتر آن را می ستاید: "جهان بی معناست، پس بیابید وانمود نکنیم که هنر می تواند بدان معنا بخشد، بیابید تنها با چرندیات بازی کنیم!"

"فردریک جیمسون" معتقد است: "مدرنیسم و پست مدرنیسم اشکالی فرهنگی هستند که در مراحل خاصی از سرمایه داری شکل گرفته اند. مرحله اول را در سرمایه داری ای که از قرن هیجدهم تا اواخر قرن نوزدهم در کشورهای اروپای غربی، انگلستان و ایالات متحده (و تمام پهنه های

تحت نفوذشان) شکل گرفت، می توان سراغ گرفت. این مرحله و شاخص فرهنگی آن یعنی، رئالیسم به گونه ای خاص به پیشرفتهای تکنولوژیکی مانند اختراع موتور بخار مرتبط می باشد. مرحله دوم، از اواخر قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم، در زمان جنگ جهانی دوم شکل گرفت. این مرحله، یعنی دوران پیدایش سرمایه داری انحصار طلبانه با ظهور مدرنیسم مرتبط است.

مرحله سوم، مرحله ای است که هم اکنون در آن قرار داریم یعنی، مرحله سرمایه داری چند ملیتی و مصرفی که تاکید آن بیشتر بر بازاریابی، فروش و مصرف کالا است و نه تولید آن و ارتباطی تنگاتنگ با تکنولوژی هسته ای، الکترونیک و پست مدرنیسم دارد." تحلیل "جیمسون" از پست مدرنیسم به عنوان سبک تولید و تکنولوژی، بیشتر از تاریخ و جامعه شناسی نشات می گیرد تا از ادبیات و تاریخ هنر! این تفکر، پست مدرنیسم را به عنوان یک شکل کامل اجتماعی یا مجموعه ای از نگرشهای جامعه شناختی - تاریخی می نامد و به بیان دقیقتر، این روش بیشتر پست مدرنیته را با مدرنیته مقایسه می کند تا پست مدرنیسم را با مدرنیسم! اما فرق این دو در چیست؟

مدرنیسم عموماً به جنبشهای گسترده زیباشناختی در قرن بیستم و مدرنیته به مجموعه ای از عقاید فلسفی سیاسی و اخلاقی که پایه گذار جنبه زیباشناختی مدرنیسم هستند، اشاره دارند.

مدرنیته قدمت بیشتری از مدرنیسم دارد. عنوان "مدرن" که اولین بار در جامعه شناختی قرن هفدهم به کار برده شد، به معنای متمایز ساختن دوره کنونی از دوره پیشین که "دوره عتیق" نامیده می شد، است.

محققان همیشه بر سر زمان دقیق آغاز دوره پست مدرنیسم و چگونگی تمایز میان آنچه مدرن هست و آنچه مدرن نیست، بحث و مجادله داشته اند. اما در جمع، دوران مدرن با عصر روشنگری اروپایی که در اساس در قرن هیجدهم شروع شد، مرتبط است.

## نگری و پست مدرنیسم

آنتونیو نگری در هنگام اقامت خود در پاریس، در کنار نظریه پردازان پست مدرن، مانند "فوکو" قرار گرفت و همراه وی و "دولوز" و "گاتری" عضو حلقه روشنفکران فرانسوی شد. نگری در این سالها به کارهای نظری پرداخت و در ماهیت سرمایه و اقتدار مرکزی دولت و ماهیت نیروهای دموکراتیک انقلاب، همچون کارگران، شورشیان و فقرا تعمق کرد. او سپس، پس از چند سال زندان و اقامت طولانی در فرانسه به حالت تبعید و ارتباط نزدیک با اندیشمندان پست مدرن فرانسوی یعنی، "میشل فوکو"، "ژیل دلوز" و "ژاک دریدا" در سال ۱۹۹۷ به ایتالیا باز گشت و تفکرات جدید خود را در قالب اثر مشترکش با "مایکل هارت"، نویسنده آمریکایی، کتاب

بقیه در صفحه ۸

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷  
"امپراتوری" منتشر نمود.  
از جمله نقدهای قابل توجه و قدرتمندی که پیرامون اندیشه های نگری شده است، نقدی است که "آکس کالینیکوس"، نظریه پرداز برجسته چپ، عضو شورای مرکزی "حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا" و استاد علوم سیاسی در "کینگز کالج" لندن، تحت عنوان "محدودیت‌های نظریه و عمل اوتونومیستها" به نگارش درآورده است. آکس کالینیکوس نیز به واسطه ترجمه آثار متعددی از او به زبان فارسی، نامی نا آشنا در ایران نیست.

روزبه کلانتری در نوشته ای تحت عنوان "درآمدی بر نقد اندیشه های تونی نگری" می نویسد: "کالینیکوس به نقد تفکرات نگری در مقطعی که تحت تاثیر پست مدرنیستهای فرانسوی قرار می گیرد می پردازد. وی به دقت به برداشتهای نادرست نگری از متون "گروند ریسه" و "کاپیتال" اشاره می کند. به اعتقاد کالینیکوس، نگری تحت تاثیر متفکرین پست مدرن فرانسوی و از جمله میشل فوکو، درک خویش از مارکس را به پسا ساختار گرایی پیوند می زند و اندیشه مارکس را به یک تئوری قدرت و ذهنیت تنزل می دهد. او همانطور که گفته شد، با تبدیل "کارگر صنعتی" به "کارگر اجتماعی" به این نتیجه می رسد که مبارزه طبقاتی به تمام لحظات زندگی روزمره تسری می یابد و پیرو آن، پرولتاریا هم همه جا هست. هر کس که در زندگی خویش سلطه سرمایه را احساس کند، جزئی از طبقه کارگر است. کالینیکوس می گوید که همین دگردیسی فکری باعث شد که نگری با کمال بی تفاوتی مسیر فاجعه بار مبارزه طبقاتی در ایتالیا در سالهای پایانی دهه ۷۰ را بنگرد و با خوش بینی شگفت آوری در آن مقطع از پیروزی و در اکثریت بودن کارگران صحبت کند و این همان زمانی است که "تونی کلیف"، تئوریسین برجسته و ارتدکس چپ، تحلیل خود از تغییر توازن نیروهای طبقاتی به نفع سرمایه را بسط داده بود و گذر زمان نشان داد که تحلیل کلیف بسیار صحیح تر از ارزیابی نگری است."

نگری و هارت بر این باور هستند که ماهیت قدرت جهانی در حین جهانی شدن تغییر کرده است و به جای امپریالیسم که شامل آمریکا و انگلیس بود و جهان را تحت کنترل داشتند، اکنون امپراتوری که شامل مراکز متعدد قدرت است، نشسته است.

همزمان، سرمایه داری در دوره امپراتوری نیز دارای مراکز متعدد قدرت است.

دکتر کاظم علمداری در مقاله ای با عنوان "پایان تاریخ یا برگشت تاریخ" می نویسد: "از نظر نگری و هارت سرمایه داری دوره ای امپایر نه بر اساس کار تولیدی پرولتاریا (طبقه کارگر) در تئوری مارکس بلکه، تمام تولیدگران و مصرف کنندگان و کنشگران نهادهای جامعه، از جمله مذهب و ان.جی.او. ها (انبوه توده مردم) قرار دارد."

وی ادامه می دهد: "بیشماران یا مالتیپود در تئوری هارت و نگری مردمی هستند که در نهادهای مختلف در جهان برای حفظ امپایر نقش ایفا می کنند. ولی همینها هستند که سر انجام از طریق جهانی شدن به هم وصل می شوند و در انقلابی جهانی، امپایر را تغییر خواهند داد. هارت و نگری معتقدند که پادزهر نظم غیرعادلانه جهانی، دمکراسی از پایین است. در حالی که دمکراسیهای موجود از بالا هدایت می شوند، دمکراسی یک پروژه ناتمام است. همان نیروهایی که امروز پایه حفظ امپایر هستند (یعنی توده مردم با خواستههای متفاوت در سراسر جهان) به عامل حذف آن بدل می شوند. به دیده آنها طیف وسیع جنبشهای ضد جهانی شدن، نطفه های این دگرگونی اند. همانگونه که مارکس معتقد بود سرمایه داری دشمن خود، طبقه کارگر را به وجود می آورد، هارت و نگری معتقدند که امپراتوری، "مالتیپود" را که عامل حذف آن خواهد بود، به وجود می آورد."

دکتر کاظم علمداری در ادامه می نویسد: "هارت و نگری بر خلاف سایر پست مدرنیستها به جای توجه به مسایل و معیارهای محلی، به مسایل جهانی توجه دارند. این دید مارکسیستی جهانی دیدن پدیده ها با دیگاه محلی نگری پست مدرنیستی، اساس تئوری "مالتیپود" را می سازد."

منوچهر صالحی، نویسنده و مترجم است و از جمله کتابهایی که به ترجمه وی منتشر شده، کتاب "علیه لنینیسم"، مجموعه مقالات کارل کائوتسکی" می باشد.  
وی در یک نوشته به بررسی سه کتاب پرداخته که صفت بندی موجود در برخورد به مبارزات سیاسی، اجتماعی و مسایل مربوط به طبقات را به روشنی بازتاب می دهند. این سه اثر عبارتند از "نیروی کار" نوشته "بورلی سیلور"، "نیرومندی سازی اجتماعی" نوشته "روبرت کاستل" و "بیشماران" نوشته مایکل هارد و تونی نگری.

## مبارزه طبقاتی در کارخانه ها

بورلی سیلور معتقد است که تحرک جهانی سرمایه را نمی توان بدون بررسی مبارزه طبقاتی درک کرد. او در کتاب خود نشان می دهد که از میانه سده نوزدهم به بعد، ناآرامیهای کارگری و فرار منطقی های و جهانی سرمایه در رابطه تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، فرار سرمایه واکنشی است در برابر مقاومتی که کار زنده نسبت به استثمار سرمایه از خود نشان می دهد. به این ترتیب، حرکت سرمایه از منطقی درونی پیروی نمی کند و بلکه عکس العملی است در برابر مبارزات سیاسی و اقتصادی که در جامعه ای که سرمایه در آن فعال است، انجام می گیرد.

سیلور بر این باور است که دگرگونی شیوه تولید و همراه با آن از یک روند تولید به روند تولید دیگری پا نهادن و دگرسانی سازماندهی کار و تولیدهای بهم پیوسته و به طور کلی پیشرفتهای فنی را فقط می توان در پرتو مبارزات طبقاتی فهمید. بورلی سیلور این همه را نتیجه لحظه ای از مبارزه طبقاتی می نامد که تعیین گر کیفیت و کمیت آن دگرگونیها و دگرسانیهایی است. انتقال سرمایه از نیمه شمالی کره زمین به نیمه جنوبی نتیجه مبارزه طبقاتی ای است که کارگران کارخانه های کشورهای شمالی برای به دست آوردن سطح مزد بیش تر، آسان تر ساختن شرایط کار خود در کارخانه ها و بهتر نمودن زندگی خویش انجام می دهند. این امر همزمان در ارتباط با مراحل جابه جایی قرار دارد که شاخص شیوه تولید سرمایه داری است.

سیلور به این نتیجه رسیده است که قدرت کارگران هنوز نیز در صنایع تولید اتومبیل بسیار زیاد است زیرا کارگران قادرند با دخالت گری اندکی روند تولید را مختل سازند. در عوض، کارگران در صنایع پارچه بافی از انجام یک چنین نقشی ناتوان بودند. تفاوت میان کارگران این دو شاخه تولید در آن است که موفقیت کارگران صنایع پارچه بافی بیش تر مرهون قدرت تشکیلاتی آنها بود (سندیکاها، احزاب سیاسی و اتحادیه های فرا طبقاتی آنان با جنبشهای ملی و ...). اما بنا بر بررسیهای سیلور، بنیاد طبقه کارگر جدید در صنایع اتومبیل سازی آمریکا در درجه اول بر الگویی از سازماندهی سندیکایی متکی است که بر اساس آن کارگران با عضویت در سندیکای اتومبیل سازی از محل کار امن برخوردار می شوند و سندیکاها تضمین کننده محل کار برای اعضای خود هستند و از استخدام کسانی که عضو سندیکا نیستند در صنایع اتومبیل سازی جلوگیری می کنند. همین بررسیها نشان می دهد که در

بخش خدمات از یک چنین سازماندهی سندیکایی خبری نیست زیرا بیش تر کسانی که در این شاخه ها کار می کنند، مهاجرانی از کشورهای آمریکای لاتین هستند که هر چند بیشترشان به طور غیرقانونی در آمریکا بسر می برند و کار می کنند، لیکن به خاطر وجود جنگهای پارتیزانی و توده ای در کشورهایشان، دارای تجربه مبارزاتی هستند و می کوشند با تکیه بر آن تجربیات، مبارزات سندیکایی خود را به پیش برند. بنا بر باور سیلور وارد ساختن مهاجرین به بازار کار کشورهای پیشرفته سرمایه داری به این خاطر صورت می گیرد که سرمایه تمایل به رفتن به کشورهای نیمه جنوبی کره زمین را ندارد بلکه می کوشد با بهره گیری از یک چنین نیروی کاری که فاقد تجربه سندیکایی و مبارزه طبقاتی است، طبقه کارگر خودی را به سازش طبقاتی به سود خود وادار سازد.

## مبارزه طبقاتی در محدوده دولت ملی رفاه

روبرت کاستل (جامعه شناس فرانسوی) در کتاب "توانمند سازی جامعه" به بررسی تنظیم مبارزه طبقاتی در محدوده دولت رفاه ملی می پردازد که در سده گذشته در غرب اروپا در ارتباط با امنیت اجتماعی و دمکراسی به وجود آمد.

دولتهای کشورهای صنعتی اروپای غربی توانستند در سده ۲۰ به تدریج شالوده دولت رفاه را بربریزند. شالوده دولت رفاه بر کار مزدوری استوار است که در رابطه تنگاتنگ با مکانیسمهای امنیتی مختلفی همچون تعیین سقف دستمزدها، تضمین دریافت مزد، حق ائتلاف تشکیلاتی در حوزه کار، تضمین بیمه های اجتماعی و... قرار دارد. در دولت رفاه سه جنبه پرتوتریزه سازی به سود تنظیم و هدایت دایمی مشکلاتی چون اداره بازار کار، بیمه های اجتماعی، بهداشت عمومی، آموزش و پرورش و... توسط دولت رفاه و در همکاری تنگاتنگ با نمایندگان سندیکاها و اتحادیه های کارفرمایان به هم پیوند داده می شوند و زمینه را برای بازتولید مناسب و اجتماعاً قابل پذیرش "کالای نیروی کار" آماده می سازند. سیاست اقتصادی بیشتر دولتهای رفاه سیاسی است که بر اساس آن دولت رفاه موظف است در دورانهای رکود اقتصادی حتی با دریافت وامهای کلان در بخشهای عمومی هم چون جاده سازی، نوسازی و گسترش مدارس و بیمارستانها و... سرمایه گذاری کند تا از بیکار شدن کلان کارگران جلوگیری شود. بر مبنای این تئوری، تکامل اقتصادی و رفاه اجتماعی در هم تنیده می شوند و گوهر واحدی را تشکیل می دهند. هدف آن است که در بازار داخلی (ملی) میان تولید و تقاضا توازن برقرار شود.

اما با پیدایش اشکال نوین اشتغال مانند کار نیمه وقت، اشتغال موقت و مشاغل به ظاهر آزاد که شاغلان فاقد تضمین حقوقی هستند، به ابعاد بیکاری در این کشورها افزوده شده است. به همین دلیل نیز کاستل خواهان جداسازی حق اشتغال افراد از بقیه در صفحه ۹



## هر شب ستاره ای به زمین می کشند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره هاست

### شهادت جنبش بیشماران

\*به گزارش فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران، روز دوشنبه ۳ اسفند ماه زندانی یاور خدا دوست در اثر شکنجه های غیر انسانی کرمانی و فرجی رئیس و معاون اطلاعات زندان به قتل رسید. پیکر این زندانی به بهداری زندان منتقل و در حال حاضر در سردخانه این زندان نگهداری می شود.

یاور و لطیف خدا دوست دو برادر زندانی که در سالن ۳ بند ۱ زندان گوهردشت کرج زندانی بودند. مدتی پیش، از سالن ۳ به سلولهای انفرادی سالن ۲ که معروف به سگدونی است منتقل کردند. آنها پس از یورش گارد زندان و بازرسی سلول آنها به سلولهای انفرادی منتقل شدند.

مصطفی میر ابراهیمی پس از تحمل شش ماه رنج و فشار در زندان در زیر شکنجه جلاان خامنه ای به شهادت رسید. وی متولد سوم اسفند ۶۶ در تهران بود. به گزارش روز ۴ اسفند سایت همبستگی ملی، مصطفی شش ماه پیش بر سر مزار "ندا" توسط مأموران سپاه ضدخلقی دستگیر

و به محل نامعلومی برده شد. چند روز پیش از طرف پزشکی قانونی



جهت تشخیص چهره، پدرش را فرا می خوانند. پدر مصطفی فرزندش جوان شهید را می شناسد اما جلاان خامنه ای دژخیم پیکر پاکش را تحویل پدر و خانواده اش نمی دهند. مأموران رژیم هیچ خبری در مورد شهادت وی و محل آن به خانواده نداده و گفته اند که خودشان تدفین را انجام داده و پس از آن تنها نشانی محل دفن را خواهند گفت.

\*در اسفند ماه اجساد دو زندانی سیاسی به نامهای مهرداد کریم پور و داوود عیوضی از منزلشان، بدون خبر قبلی، با حضور اقوام و آشنایان به سمت بهشت معصومه قم تشییع شد. به گزارش سخام نیوز مأموران از هرگونه عکسبرداری و فیلمبرداری از اجساد در سردخانه و مراسم تشییع توسط خانواده ها و افراد دیگر ممانعت کردند.

مهرداد کریم پور و داوود عیوضی هر دو زندانی سیاسی بودند که در روز عاشورا و در هنگام شرکت و همکاری در مراسم هفتم آیت الله منتظری دستگیر و تا مدتهای زیادی خانواده هایشان از محل بازداشت آنها بی خبر بودند. داوود عیوضی کمتر از بیست سال سن داشته و مهرداد کریم پور ۳۸ ساله، دارای دو فرزند دختر و کارمند بیمارستان الزهرا قم بوده است.

\*گلچین صالح پور ۲۳ ساله از اهالی روستای پشت تپه نزدیک مهاباد زیر شکنجه در زندان بوکان، به شهادت رسید. به گزارش روز پنجشنبه ۱۳ اسفند سایت سازمان ضد اعدام کردستان، پیکر بی جان این دختر کرد به دور از انظار عمومی از سوی نیروهای امنیتی در مکانی نامعلوم دفن شده است. خانواده ی مقتول که از قشر بسیار فقیر جامعه به شمار می آیند تا کنون از زمان قتل فرزندشان و محل دفن وی اطلاعی ندارند.

## خامنه ای «سیبل» شده و همه «تیر» ها به سمت او شلیک می شود

### زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۵ اسفند هفتمین اجلاس دوره چهارم مجلس خبرگان خامنه ای دبروز سه شنبه ۴ اسفند گشایش یافت. در آغاز این جلسه که با غیبت معنی دار آخوند محمد یزدی همراه بود، اکبر هاشمی رفسنجانی سخنرانی کرد. در این سخنرانی چند پهلوی که رفسنجانی سعی می کرد جا به جا تملق خامنه ای را بگوید، نکات بحث انگیز هم وجود دارد و به خصوص که این روزها مساله بررسی «کمیسون انتخاباتی» در مجمع تشخیص مصلحت نظام ولایت فقیه سبب بروز کشمکشهایی بین باندهای درونی رژیم شده است.

رفسنجانی سیاست حذف پارانها ها از جانب پاسدار احمدی نژاد را تأیید کرد. وی بر دخالت سپاه قدس در عراق که سبب حذف بعضی از کاندیداهای ملی و دمکرات شده است مهر تأیید زد. گزارش جدید مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی را توطئه آمریکا دانست و گفت: «فصاحت این گزارش تاکنون سابقه نداشته است.»

در مورد تحریمها اظهار نگرانی کرد و گفت: «سیاسیون می دانند معنی تحریمهای فلج کننده چیست.»

رفسنجانی بعضی از حرفهایش در نماز جمعه ۲۶ تیرماه امسال را تکرار کرد و از قیام «بی سابقه» مردم که «باعث اختلافات و احیاناً کینههایی در دل» شده اظهار نگرانی کرد. وی به طور تلویحی به شعار مرگ بر خامنه ای اشاره کرد و گفت: «کاری نکنیم تیرهایی که نباید به سمت رهبری و نظام برود، به آن سمت رفته و ایشان سیبل شود.»

رفسنجانی تأکید کرد که «بین وفاداران انقلاب و ساختارشکنان که با قانون اساسی یا رهبری مشکل دارند، مرز وجود دارد که این مرز جعلی نیست و نباید اجازه دهیم مخدوش شود.»

رفسنجانی همه این حرفها را برای آن زده که به خامنه ای هشدار بدهد که سیبل شده و مردم او را مورد حمله قرار می دهند تا خامنه ای طرحهای او را قبول کند. رفسنجانی می گوید: «اگر ایشان راه وحدت بر عهده بگیرند، می توان حرکت کرد.»

نقطه محوری حرف رفسنجانی همین جمله است. او پس از تأیید پروژه اتمی و دخالت در عراق و تأیید سیاست اقتصادی دولت پاسداران و تملق گویی از خامنه ای می خواهد به همه طرفها و به خصوص به شخص خامنه ای بگوید که چون «سیبل» حمله مردم شده ای و همه تیرهای مردم به سمت تو شلیک می شود، پس تو باید «راه وحدت» را به عهده بگیری. خامنه ای هم از همین حرف بدش می آید و برای همین است که به رئیس صدا و سیمایش امر می کند که این جنبه از حرفهای هاشمی رفسنجانی را مورد ملامت قرار دهد. ضرغامی در مورد رفسنجانی می گوید: «در مورد شخص ایشان احترام ویژه قائل هستیم و همواره به نقش جایگاه ایشان توجه ویژه داشته ایم ولی متأسفانه برخی مواضع رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام پس از انتخابات عملاً در جهت واگرایی نتیجه داد و در راهپیمایی اخیر دوستان ما تلاش زیادی کرده اند که تصاویری از مسیر ایشان را نشان دهند که جایگاه وی حفظ شود.» (ایلنا، اول اسفند)

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸ وضعیت قانونی اشتغال است. به عبارت دیگر، او خواهان آن است که در قانون اساسی قید شود که اشتغال حق هر فردی است. به این ترتیب دولت در برابر فرد مسوول است و باید همه امکانات را برای دستیابی فرد به تخصص و شغل فراهم آورد و هنگامی که فردی نتواند شغلی به دست آورد، دولت باید هزینه زندگی او را تامین کند.

### تئوری بیشماران

در دیدگاه سوم، هارد و نگری مدل اسپینوزایی رادیکال را جانشین تضادی ساخته اند که نیروی شکل دهنده طبقاتی خود را از دست داده است. آنها با این مدل سه سطح پرولتریزه سازی را از جنبه دیگری مورد بررسی قرار می دهند. آن دو در این رابطه از اندیشه های ژیل دلوز و میشل فوکو الهام گرفته اند که ذهنیت را فرآورده ای از مناسبات جمعی می دانند. به این ترتیب در تنوع جزئیت، قدرت بیشماران نهفته است که هستی، کارکرد، زندگی و کار را در بر می گیرد بدون آن که آنها را به پدیده هایی عادی بدل سازد.

آنتونی نگری در یک رساله کوتاه با عنوان "به سوی یک تعریف هستی شناسانه از بیشماران (مالتیتود)" در باره طبقه می گوید:

"بیشماران یک مقوله طبقاتی است. در واقع، توده بسیار گونه همواره مولد است و همیشه متحرک. از نقطه نظر زمانی، در فرآیند تولید استمرار می شود و از نقطه نظر فضایی، باز هم استمرار می شود و این بار به مثابه جامعه مولد یا تعاون اجتماعی به قصد تولید.

مقوله "طبقه بیشماران" را نباید به سان مقوله "طبقه کارگر" مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مقوله طبقه کارگر، در واقع ترم محدودی می باشد، هم از نظر تولید (زیرا اساساً زحمتکشان صنعتی را در بر می گیرد) و هم از موضع تعاون اجتماعی (چون بخش کوچکی از زحمتکشان فعال در مجموعه تولید اجتماعی را شامل می گرد).

\*یک توضیح کوتاه:

آقای علی نورالدینی که خود را مترجم کتاب مالتیتود معرفی نموده، از عدم اشاره به نام خویش در سلسله نوشته های تحقیقی من درباره نظریه "بیشماران" انتقاد کرده است. ضمن سپاس از توجه ایشان، ابتدا متذکر می شوم که آقای نورالدینی تنها مترجم این کتاب نیستند. آقای منوچهر هنزارخانی نیز این کتاب را ترجمه کرده اند.

با ارج گذاری به این تلاشها، فاکتوهای مستقیم در نوشته من از کتاب مالتیتود، برگردان از نسخه انگلیسی کتاب مزبور *Multitude: War and Democracy in the Age of Empire* نشر Penguin Books است. در مواردی که مطالبی از دیگران آورده شده، نام آنها قید شده است.

## سال ۱۳۸۸، سال شجاعت، شهامت و جنبش بیشماران

جعفر پویه

در روز ۲۵ خرداد به اندازه ای بود که او نتوانست در مقابل آنان دست از پا خطا کند. نیروهای سرکوبگر او دست بسته شدند و جمعیت میلیونی یکصدا علیه خامنه ای بسیار تند شعار داد. عکسها و فیلم این اتفاقات به سرعت منتشر شد و جهان به یکباره با اتفاقی روبرو شد که هرگز انتظارش را نداشت.

اگر تا کنون دستگاه دروغ پراکنی رژیم و خبرنگاران بنگاههای خبری تحت کنترل روسای خود مجبور بودند تا خبرها را به گونه ای تنظیم کنند که از آنها خواسته می شد، این بار جوانان و نیروهای فعال جنبش دست به کار شدند و خود کاری کردند کارستان. دوربینهای موبایل و تلفنهای همراه به روایت گران صحنه های اعتراضات تبدیل شد. هر فردی که توانایی داشت، خود را موظف به مخابره اتفاقات پیرامون خود کرد. عکسها و فیلمها بدون سانسور و کنترل دستگاههای خبر پراکنی به طور مستقیم از شبکه اینترنت به خانه های مردم سراسر جهان رفت و چشمهای آنان شاهد حماسه هایی شد که دیگر به هیچ وجه و به کار آنها را حاشا کرد.

تلویزیونها و دستگاههای خبر پراکنی در مقابل یک اتفاق نادر قرار گرفتند، یا باید به آنچه به عنوان خبرهای بی واسطه به مردم می رسید بی تفاوت می بودند که ضربه سختی به حیثیت شان می خورد، یا اینکه به تایید خبرهای مخابره شده توسط جوانان و نیروهای دلیر جنبش اجتماعی می پرداختند. آنان راه دوم را انتخاب کردند و آدمهایی بی نام و نشان و فیلمها و تصویرهای دستگاه های کوچک آنها به تیر اول همه خبرگزاریهای جهان تبدیل شدند. حال دیگر می توان گفت که جهان با اتفاق تازه و یک شیوه بدیع در خبر رسانی و اطلاع دادن روبرو شده است. محاسبات دقیق و اخبار بی شبیه پیله و روایت صادقانه، آنچه به دل مردم نشست که کیفیت غیر حرفه ای عکسها و فیلمها به چشم هیچ کس نیامد. جهان مبهوت شهامت و شجاعت جوانانی شد که به عشق آزادی، بی پروا در برابر نیروهای تاندان مسلح ایستادگی می کنند و از خواسته های خود اندکی به عقب نمی نشینند. دختران شجاعی که اعتراضهای خیابانی را رهبری می کردند، آنچه درسی از شجاعت و کاردانی به همگان آموختند که کمتر کسی است که به این فیلمها نگاه کرده باشد و شجاعت و شهامت و احساس مسولیت آنان را تحسین نکرده باشد. این گزارشها به سرعت افکار عمومی جهان نسبت به مردم ایران را تغییر داد. آنانی که تا کنون هر شهروند ایرانی را یک احمدی نژاد معرفی می کردند و کمتر حرفی از رشادت و دلاوری جوانان مردم ایران در مقابل مستبدان حاکم بر زبان می آوردند، به کلی صحنه را باختند. در بسیاری از شهرهای جهان، مردم در حمایت از جوانان ایرانی که به حمایت از همزمان خود در ایران تجمع می کردند پیوستند و همزمان با تحسین

بقیه در صفحه ۱۱

آنچنانی را به خورد دیگران داد؟ باید حداقلی از مردم را به پای صندوقها کشاند تا آمارها را در دستکاری چند برابر کرد. به همین علت به خیال خود تبلیغات انتخاباتی مهندسی شده ای را از تلویزیون شروع کردند. مناظره ای که معلوم نبود با چه حسابی آن را برپا کرده بودند، همچون تیری که از چله کمان رها شده باشد، کنترل آن از عهده تیرانداز خارج شد و کار خود را کرد. به یکباره خیابانها غلغله شد. طرفداران دو طرف مقابل یکدیگر صف آرایی کردند و جنگی بی محابا شروع شد. چه کس این میزان توجه به موسیقی که سالها از سیاست کناره گیری کرده بود و در بین جوانان و نسل جدید شناخته نشده بود را می توانست حدس بزند؟ این توجه از حُب حسین که نه بلکه، از بغض معاویه بود. از یک طرف کربوی و موسوی و از طرف دیگر احمدی نژاد و دار و دسته امنیتی - نظامی به قبضه خیابانها پرداختند. عمه استبداد این بار هم فکر کردند بعد از پایان کار و یکی دو روز سر و صدا، مردم خسته شده و به خانه می روند. اما چیزی را که نمی دانستند، درجه انزجار از خود نزد مردم بود.

آنها هرگز فکر نمی کردند علی خامنه ای تا این درجه نزد مردم منفور باشد. آنها هرگز نمی دانستند در صورت یک تقلب بزرگ نخواهد توانست با ضرب و شتم و چند گاز اشک آور و چند دستگیری موضوع را خاتمه بدهند. به دلیل همین محاسبات غلط بود که دست به یک تقلب عجیب زدند و منفور ترین کاندیدای تمام دوران رژیم جمهوری اسلامی را با بیشترین رای ممکن به ریاست جمهوری رساندند. علی خامنه ای از هول حلیم در دیگ افتاد و زود هنگام و بد موقع به احمدی نژاد تبریک گفت. این عمل کاملن روشن می کند که او گز نکرده پاره کرد و بدون محاسبه پیامدهای بعدی دست به این عمل ابلهانه زد. او فکر می کرد این بار نیز همچون گذشته کاندیدها را وادار به سکوت یا حداکثر شکایت به خدا می کند. به رخ کشیدن ولی فقیه به آنان و یادآوری الزام عملی به مقام ولایت همچون چماقی کارساز تا کنون برای او عمل کرده بود اما این بار تنها این کاندیدها نبودند که معترض بودند. بلکه، مردم حاضر در خیابانها به خانه نرفتند و بر حق خود پای فشردند، ولی فقیه را به تقلب متهم کردند و پر صدا و پر شمار دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. تعداد معترضان حاضر

خواب ابرقدرتی منطقه ای می دیدند و خود را برای مدیریت امام زمانی جهان آماده می کردند، تا رفتند بجنبند، هر آنچه بافته بودند یک شبه پنبه شد. در پیش دیدگان جهانیان مشخص شد که رژیم تروریست پرور و باجگیر ولی فقیه در داخل کشور تنها با زور سرنیزه و شلتاق گزمه های قمه به دست و تفنگ به دوش، حاکم است و پایه های آن سست تر و لرزان تر از آنی است که نداشت می شد. تنها یک روزنه کوچک و حداقلی کافی ست که این انرژی متراکم شده در پشت سد استبداد را آزاد کند و بنیان حاکمان ضد مردم و ستمگر را از ریشه برکند. همه اینها در یک نمایش از قبل محاسبه شده تلویزیونی اتفاق افتاد. آنانی که این نمایش مضحک را طراحی کرده بودند نشان دادند که از حداقل برآورد درست از موقعیت جامعه عاجزند. زیرا هنگامی که احمدی نژاد در مناظره تلویزیونی شروع به افشاکری و پرده دری کرد، قدم در راهی گذاشت که پایانش با او دم و دستگاه حاکم نبود.

اینهم به آن دلیل اتفاق افتاد که انتخابات ریاست جمهوری رژیم تا آخرین روزهای خود آن چنان سرد و بی روح بود که ترس و وحشت مجریان دولتی را فرا گرفت. آنها که موقعیت خود را در موازنه بین المللی خوب برآورد کرده بودند، به فکر چاره افتادند و برای پر رونق کردن بازار بی مشتری خود دست به عملی زدند که صد در صد به ضد خود تبدیل شد.

این که تا چه اندازه ترس از تحریم و عدم شرکت مردم در انتخابات آنان را به خود مشغول کرده بود، کمتر کسی به آن توجه کرده است زیرا وضعیت دولت دروغگو و بی شرم احمدی نژاد کار را به جایی رسانده بود که شرایط کشور به هر چیزی شبیه بود به جز نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری که تکلیف ریاست دولت را برای چهار سال بعد تعیین می کرد. هنوز تعداد تحریمیهای دور قبل در خاطر آنان بود. آمارهای منتشره آنچه آن سهمگین بود که اگر بار دیگر تکرار می شد، مدعیان ابرقدرتی و مقبولیت صد درصدی در بین مردم باید فکری به حال خود می کردند. می شد همچون ادوار گذشته آمارهای بی حساب و کتاب ارایه داد اما وقتی که حوزه های رای گیری از مردم خالی ست، وقتی که چشمهای خبرنگاران حوزه ها را تحت نظر دارد و دوربینها کسادی آنها را ثبت خواهند کرد، دیگر چگونه می شود آمارهای

سال ۸۸ سال خودباوری مردم، سال برآمد جنبش رنگین کمان اجتماعی، سال تسلط جوانان بر خیابانهای داغ و شلوغ شهرهای خروشان میهن به پایان رسید. سالی که خمینی از ماه به زیر کشیده شد و در آتش خشم مردم خاکستر شد. سالی که علی خامنه ای، ولی فقیه ستمگر و مستبد رژیم جمهوری اسلامی از اوج عزت به حقیض ذلت افتاد و عکس اش در کف خیابانها لگد مال زنان و مردان آزدیخواه شد. سالی که سکوت گورستانی گزمه ها و اوباش ولی فقیه شکست و فریاد خروشان جوانان میهن، دیوار استبداد حاکم را فرو ریخت. سالی که جو رعب و وحشت حاکم شده توسط سرکوبگران رنگارنگ کمانه کرد و تبدیل به کابوس هر شب ولی فقیه و پاپوران دولت امنیتی - نظامی او شد. فریادهای خروشان مردم به جان آمده از دیوارهای صدا گیر کاخهای رجاله ها گذشت و ترس و وحشت را در سرای ستم پیشگان جاری ساخت تا بدانند که رسم گردان و دلبران هنوز از میهن آزادگان رخت بر نیسته است. سالی که تا آخرین روزهای آن، تن حاکمان قلدر و زورگو لرزید و جنبش اجتماعی همچنان سربلند و مغرور بر خواسته های به حق خود پای فشرد. در پایان این سال، مردم مراسم ملی و سنتی نوروز را به یاد عزیزان به خون خفته برپا می دارند و سفره های هفت سین با عکسهای زندانیان و اسیران تزیین شده است تا نشانی باشد از آن که در سال جدید، پر صدا تر و قدرتمندتر همچنان به پیش خواهند رفت و تا رسیدن به حقوق انسانی خویش از پای نخواهند نشست.

سال ۸۸ در ابتدا با پیام نوروزی اوپاما نوید شلتاق بیشتر حکومت ولی فقیه را می داد. برخورد از موضع ضعف ریس جمهور جدید آمریکا، رژیم را حریص تر کرد تا مگر از این نمد برای خود کلاهی بسازد. نامه نگاریهای مخفیانه بین اوپاما و ولی فقیه رژیم اوپاشان که بخشی از آنها از پرده برون افتاده، سردمداران رژیم را به این فکر انداخت که حال دیگر باید خود را همچون قدرت منطقه ای تثبیت کنند و امضا رییس جمهور آمریکا را به عنوان تاییدیه به رخ دیگران بکشند. شلتاق کردن گماشتگان رژیم در عراق و لبنان و فلسطین و افغانستان برای چرب تر کردن سهم خود ادامه داشت که ناگاه توفان خشم و خروش مردم از خیابانهای کشور برخاست. آنهایی که

## سال ۱۳۸۸، سال شجاعت، شهامت و جنبش بیشماران

بقیه از صفحه ۱۰  
آن، به دفاع از خواسته های جنبش  
اجتماعی برخاستند.

این چرخش افکار عمومی و این حمایت بزرگ بین المللی ممکن نبود مگر به همت و کاردانی جوانان فرهیخته و شجاعی که به درستی راه استفاده بهتر از امکانات و تکنولوژی را تشخیص داده بودند. در حالی که مردم در خیابانها در مقابل اوباش ولی فقیه ایستادگی می کردند، در همان هنگامی که بسیاری از جوانان طعمه گلوله گماشتگان و پادوهای علی خامنه ای می شدند، هنوز بسیاری بودند که چشم بر این واقعیت‌های غیر قابل انکار می بستند و برای آن حساب ویژه ای باز نمی کردند. چندین ماه از جنبش گذشت تا اواما، رییس جمهور آمریکا به قدرت جنبش اجتماعی پی ببرد و از رژیم روی بگرداند. او در حالی که در انتظار معجزه نامه های مخفیانه خود به علی خامنه ای بود، سعی داشت تا آنچه در خیابانهای شهرهای ایران می گذرد را نادیده بگیرد. اما هنگامی که افکار عمومی او را به زیر سوال کشید، وقتی که دیگر امکان حاشا کردن نبود و نمی شد تا اتفاقات داخلی ایران را زود گذر و مساله ای داخلی دانست و بر آن چشم پوشید، وادار به موضعگیری شد. هرچند دیر هنگام اما بالاخره اواما نیز مجبور شد تا از جنبش مردم و خواسته های به حق آنان حمایت کند و مجبور شود تا ابتدا خیلی ملایم از رژیم بخواهد که به خواسته های مردم ایران احترام بگذارد. بعد از این دیگر می شود گفت که صدای اعتراض جوانان و مردمی که در مقابل دیو استبداد حاکم ایستادگی می کنند، به گوش بسیاری رسیده است و دیگر نمی شود از کنار آن به راحتی عبور کرد.

به دلیل افشاگریهای بی مهابای مردم از یک طرف و پافشاری کروی و تیم تحقیق او از سوی دیگر، بازداشتگاه کههریزک که به گوانتاناموی ولی فقیه معروف شده بود، تعطیل گردید. شکنجه تا سرحد مرگ از سوی اوباشان ولی فقیه بر سر زبان همگان افتاد. آشکار گردید که در اثر بدرفتاریهای شکنجه گران ولایت فقیه، فرزندان بعضی از پایوران رژیم نیز در بازداشتگاهها در زیر شکنجه به قتل رسیده اند. تجاوز به دختران و پسران زندانی از پرده برون افتاد و کسانی که تحت اینگونه اعمال قرار گرفته بودند، سکوت را شکستند. با

برملا کردن فجایع اعمال شده توسط اوباشان ولی فقیه کار به جایی رسید که رهبر رژیم مجبور شد تا دستور تعطیلی بازداشتگاه کههریزک را صادر کند.

سرکردگان نیروی انتظامی و امنیتیها و پاسداران یکدیگر را متهم به بد رفتاری کردند و هر کس سعی کرد تا گناه اعمال دژخیمان را به دیگری نسبت دهد. تیمهای فشن تحقیقاتی تشکیل شد و از همه بدتر، قاضی مرتضوی، ملیچک علی خامنه ای در قوه قضاییه برکنار گردید. احمدی نژاد سعی کرد تا او را به پست دیگری بگمارد تا از پیگرد در امان بماند و لاریجانی، قاضی القضاات جدید رهبر نیز او را سمتی دیگر در دستگاه قضایی داد و تا هر دو ثابت کنند که اعمال مرتضوی سرخود و بدون اطلاع مقامهای بالاتر نبوده است. در کشمکش این روزها مشخص شد که نیروهای امنیتی همراه با لباس شخصیهایی که هنوز مشخص نشده است از کجا دستور می گیرند و سر و ته کدام کرباسند، با حمایت نیروی انتظامی شب ۲۵ خرداد به کوی دانشگاه تهران حمله کرده و از کشته دانشجویان پشته ساختند. آنان بعد از این که وارد کوی شدند، آنچنان فجایی به بار آوردند که در ددمنشی دست گشتاپوهای نازی را از پشت می بندد. جلادان و اوباشان ولایی بی پروا دانشجویان زخمی را بر روی یکدیگر تلنار کردند و آنها را زیر باران ضرب و شتم باتوم و چماق و زنجیر گرفتند. خبر این فاجعه دهان به دهان گشت و سردمداران جمهوری اسلامی مثل همه اعمال غیر انسانی خود آن را به بیگانگان نسبت دادند. احمدی نژاد از یک طرف و علی خامنه ای از سوی دیگر مسوولیت این جنایت را نپذیرفتند. مجلس و قوه قضاییه کمیته حقیقت یاب تشکیل دادند و برای وقت گذرانی سعی کردند تا حداقل کسانی را دنبال نخود سیاه بفرستند. اما از قبل معلوم بود که اگر کمیته حقیقت یاب بخواهد درست عمل کند، در کوتاهترین زمان ممکن به بیت رهبر جمهوری اسلامی می رسد و مشخص خواهد شد که باعث و بانی همه این مشکلات در کجاست و آمر این فجایع چه کسی است. اما مگر چیزی به عنوان حقیقت نزد سردمداران رژیم ولایت فقیه معنی دارد که آنها درک کنند و یا به دنبالش بگردند. آنان همه چیز را با محک مصلحت و منافع نظام خود می سنجند و هیچ حقیقتی به جز منافع خویش و نظامشان را در نظر ندارند. بعد از تقلب بزرگ و با پیش بینی نیروهای اطلاعاتی و ترس و وحشت از اعتراض مردم، در همان ساعات اولیه بسیاری از سردمداران جناح مقابل را دستگیر و روانه بازداشتگاهها



در این روز ندا به خاک افتاد و همچون سمبل جنبش اجتماعی فراروید. صحنه جان سپردن او بعد از اصابت گلوله به همه جهان مخابره شد و موجی از تنفر و انزجار را علیه ولایت فقیه و دار و دسته ستمگر او برانگیخت. تیراندازی بی مهابای سرکوبگران تعداد زیادی از جوانان و فعالان جنبش را به خون کشید و عده ای زیادی در این روز کشته شدند. اما در این روز، جنبش با حکومت تعیین تکلیف کرد و نشان داد که باعث و بانی همه این ستمگریها را به خوبی می شناسد و ولایت فقیه را مانع و سد اصلی راه خود می داند.

در این میان هرچند کسانی مثل رفسنجانی سعی کردند تا میانه را بگیرند و تلاش کنند تا با واسطه گری، خود را حلال مشکلات رژیم نشان دهند اما سرسختی خامنه ای همه طرحها و نقشه های آنان را نقش بر آب کرد و همه آنانیه که طرحهایی همچون "آشتی ملی" یا "وحدت" را پیش گرفته بودند، مثل آخوندهای روحانیون مبارز و بخشی از موتلفه و ... کارشان به جایی نرسید و همچنان تماشای باقی ماندند و در مناقشات به بازی گرفته نشدند. تلاش رفسنجانی در نماز جمعه برای پادرمیانی و نشان دادن راه حل با دخالت خامنه ای در نماز جمعه ای دیگر پاسخ داده شد و او ثابت کرد که در رژیم جمهوری اسلامی مرغ همیشه یک پا دارد و او نه تنها هیچ کس را در قدرت خود شریک نخواهد کرد بلکه، برای بیرون راندن بعضی از کسانی که آنان را مزاحم خود می داند، تردید نخواهد کرد. تنها در میان این مناقشات آیت الله منتظری بود که با مواضع به موقع و پر قدرت خود جلو بعضی از فتواهای من درآوردی آخوندهای درباری برای منکوب کردن جنبش را می گرفت. او در مقابل معصوم قابل شدن خمینی ایستاد و اجازه نداد تا آتش زدن عکس او را همتراز با سوزاندن قرآن و یا چیزی شبیه آن قلمداد کند. منتظری در ۱۹ تیر ولایت خامنه ای را "ولایت جائرانه" اعلام کرد و تا جایی پیش رفت که برکناری او را نیز به ایما اشارت بی اشکال می دید. اما عمر او نباید و مرگ زود هنگامش باعث از دست رفتن یکی از پشتیبانان سرسخت و پر قدرت جنبش اجتماعی شد. شرکت جمعیتی عظیم در تشییع جنازه او در ۳۰ آذر و سر دادن شعارهایی که کل نظام ولایت را به زیر ضرب می گرفت، یکی از روزهای پر فروغ جنبش اجتماعی برای تعیین تکلیف کردن با نظام ولایی است. درباره مرگ منتظری گمانه های بسیاری زده شد و کسانی آنرا زیر سر رهبر و دستگاه آدمکشی او دانستند. اما هرچه بود، پیرمرد بعد از سالها که تحت

بقیه در صفحه ۱۲

کرده بودند. از معاون و مشاور کاندیدها گرفته تا مسوولین دفترهایشان، از رهبران و سردستگان احزاب جناح مقابل گرفته تا وزرا و نمایندگان سابق مجلس، نویسندگان روزنامه ها، مدیران سابق و جدید جراید و در یک کلام، هر کس که به دستشان رسید را روانه بازداشتگاهها کردند. اما بعد از مدتی باز دوباره دست به دستگیری زدند و هر کس که باقی مانده بود را نیز دستگیر کردند. آنها به خیال اینکه رقبای شان اعتراضات خیابانی را سازمان و یا رهبری می کنند، آنها را دستگیر می کردند تا معترضان را به خیال خود بی رهبر کنند. اما چیزی نگذشت که مشخص شد نه تنها آنها رهبران معترضان نیستند بلکه، آقایان موسوی و کروبی که به ظاهر باید رهبران اسمی اعتراض گران باشند نیز چندان حرفشان در رو ندارد. زیرا روز ۳۰ خرداد بدون اینکه هیچ کدام از این رهبران فراخوان یا درخواست تظاهرات از مردم کرده باشد، جمعیتی عظیم به خیابان آمد و کار اعتراضات خیابانی به مسیر بی بازگشت افتاد. زیرا در این روز مردم دیگر شعار "رای من کجاست" را به کلی کنار گذاشتند و به طور مستقیم رهبر و ولی فقیه رژیم را به عنوان مسوول اعمال و فجایع انجام گرفته به زیر ضرب گرفتند. شعار "مرگ بر خامنه ای" در خیابانها طنین انداز شد و اصل ولایت فقیه را مردم با شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" به زیر ضرب گرفتند زیرا روز قبل از آن خامنه ای در نماز جمعه برای مردم خط و نشان کشیده و تهدید به قتل و کشتار کرده بود. به همین دلیل پرده های رودریاستی در مورد او به کنار رفت و شعارها صریح تر شد. اگر تا این هنگام در اعتراضات شعار "مرگ بر دیکتاتور" داده می شد، از این روز به بعد علی خامنه ای در نوک پیکان اعتراضات قرار گرفت یا به قول رفسنجانی تبدیل شد به "سیبل" که همه شعارها به او برخورد می کند.



## سال ۱۳۸۸، سال شجاعت، شهامت و جنبش بیشماران

بقیه از صفحه ۱۱  
بدرفتاری و حبس خانگی رژیم قرار داشت، در اوج عزت از سوی مردم بدرقه شد؛ چیزی که هرگز از سوی دستگاه امنیتی خامنه ای و آدمکشان و پادوهای شکنجه گر او نادیده گرفته نخواهد شد و از یادشان نخواهد رفت. برخلاف انتظار ولی فقیه و دستگاه سرکوبگری او، جنبش اجتماعی هرچه از عمرش گذشت خسته نشد و عقب نشینی نکرد بلکه، با عبور از مراحل سخت، آبدیده تر و مصمم تر شد. کار به جایی رسید که رژیم برای عدم حضور مردم در تظاهرات ۱۳ آبان و سالروز اشغال سفارت آمریکا مجبور شد تا به دور کسانی که با هزینه هایی بسیار زیاد برای نمایش حکومتی گرد آورده بود، دیوار امنیتی بکشد تا از حضور مردم معترض در جمع آنها جلوگیری کند. یعنی، خامنه ای و دستگاه حاکمیت او در عمل صف خود را از مردم جدا کردند و شکاف به وجود آمده بین رژیم و ملت را بارز تر و پر رنگ تر به همگان نشان دادند؛ شکافی که روز به روز عمیق تر می شود و اکنون آن چنان شده است که هیچ آمیدی به پر کردن آن توسط واسطه ها و دلالهای قدرت وجود ندارد.

قدرت و سر زندگی جنبش اجتماعی آنچنان پایوران رژیم را به هراس انداخت که برای چاره جویی دست به کارهایی عجیب زدند. از جمله محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات را مقصر و ناتوان در سرکوب دانسته و برکنار کردند. برپایی دادگاههای نمایشی با حضور عده زیادی از افراد دستگیر شده چنان افشاحی برای رژیم به بار آورد که خود تصورش را نمی کرد. وادار کردن بعضی از دستگیر شدگان به مصاحبه های تلویزیونی و ترتیب دادن مراسم اعتراف علیه خود نیز نتوانست دردی از رژیم ولایت فقیه درمان کند و به ضد خود تبدیل شد. در ادامه این اعمال، دو تن از کسانی که مدتها قبل از انتخابات دستگیر شده بودند و در دادگاه نمایشی شرکت داده شده بودند، اعدام شدند. اعدام دو بیگناه برای زهرچشم گیری نه تنها مردم را به عقب نشینی واداشت بلکه، آنان را به ادامه حق خواهی مصمم تر کرد. هرچند جنبش در روز ۲۲ بهمن به دلایلی بسیار و بر اثر اشتباه محاسباتی و ... موفق به اجرای برنامه از قبل طراحی شده خود نشد اما به میدان آمدن جوانان در شب چهارشنبه سوری با وجود فتوای خامنه ای در

نفی این جشن و غیر اسلامی دانستن آن، مشت محکمی به پوزه او وارد کرد و نشان داده شد که جنبش نه تنها پر انرژی و امیدوار سر باز ایستادن ندارد بلکه، در هر فرصتی قدرتمند تر از گذشته وارد میدان شده و بر خواسته های به حق خود پای خواهد فشرده.

### فرای جنبش اجتماعی

هرچند جنبش اجتماعی به عنوان یک ابر اتفاق آنقدر بزرگ است که مابقی اتفاقات این سال را زیر سایه خود نگه می دارد اما در سال گذشته اتفاقات دیگری نیز به وقوع پیوست که از کنار بعضی از آنها نمی شود به آسانی عبور کرد.

"طرح هدفمند کردن یارانه ها" یکی از اتفاقاتی است که به گفته صاحب نظران، صدای آن در آینده بلند خواهد شد. این طرح ضد ملی و مردمی که دولت احمدی نژاد با سر و صدای بسیار خود را طراح آن قلمداد می کند چیزی نیست جز برنامه ضد مردمی که توسط بانک جهانی برای پیوستن رژیم به سازمان تجارت جهانی در دستور قرار داده شده است. رژیم در این طرح، سوسپید حاملهای انرژی از سوی دولت را قطع می کند و اقلامی همچون بنزین، گاز، آب و برق را با نرخ آزاد در اختیار مردم قرار می دهد. اینگونه کشوری که مردم آن روی دریایی از نفت راه می روند و سالانه حجم وسیعی از این ثروت ملی آنان توسط دولت غارت می شود و پول آن نیز معلوم نیست به چه مصارفی می رسد، باید بنزین را به قیمت فوب جهانی خریداری کنند. همین گونه است نرخ سر به فلک کشیده برق و گاز که کمر مصرف کنندگان در زیر هزینه آن خواهد شکست. دولت در این طرح که در روزهای پایانی سال توسط مجلس آخوندها به ریاست علی لاریجانی تصویب شد، می تواند مبلغ ۲۰ هزار میلیارد تومان از محل گران کردن این اقلام مصرفی درآمد کسب کند. حالا حساب کنید که هر فرد ایرانی باید چه مقدار هزینه بیشتری بپردازد تا دولت به ۲۰ هزار میلیارد تومان خود برسد. از سوی دیگر، به دلیل ماهیت عوام فریب رژیم آخوندها، آنان دایم تبلیغ می کنند که دولت تصمیم دارد که مبلغی از این پول را بین مردم به صورت یارانه تقسیم کند. کسی هست که بپرسد چرا دولت با زور و گران کردن انرژی می خواهد چنین رقم سرسام آوری را از جیب مردمی که هم اکنون برای گذران امورات خود باید روزانه چندین ساعت اضافه کار کنند بیرون بکشد و بعد سر آنان منت بگذارد که به آنان مبلغی ناچیزی (به گفته خودشان حدود ۱۵ تا ۱۷ هزار تومان در ماه) پرداخت کند؟ این دزدی آشکار و

دروغ و دغل را چگونه می شود توجیه کرد؟ اما به هر حال رژیم استبدادی و ولایت فقیهیی که ادعای رهبری جهان و دخالت در مدیریت آن را دارد این گونه آشکارا دست در جیب اقشار کم درآمد و مزد بگیر کرده است تا همان لقمه اندک و ناچیز کودکان آنان را از سفره هایشان بریاید. به همین دلیل صاحب نظران برای سال آینده تورمی بالای ۵۰ درصد را پیش بینی می کنند. این درحالی است که دولت از مجلس درخواست ۴۰ هزار میلیارد درآمد از محل گران کردن حاملهای انرژی را داشت که مجلس آن را به نصف تقلیل داد. اگر همان رقم پیشنهادی دولت تصویب می شد و یا اگر دولت احمدی نژاد که هیچ چیزی از او بعید نیست چنین کیسه ای برای خود بدوزد، معلوم نیست سرنوشت اقتصاد کشور و سفره اقشار مزدبگیر چه خواهد شد؟ اما آن چیزی که از هم اکنون می شود انتظار داشت، صدهایی است که به دلیل تجاوز دولت به حقوق مردم بلند خواهد شد و اعتراضاتی که به همین دلیل به وقوع خواهد پیوست.

اما کار دولت چپاولگر به همین جا ختم نمی شود. در خبرها آمده بود که به دلیل تحریمهای بین المللی و عدم سرمایه گذاری در بخش نفت و دیگر بخشهای صنعتی و اقتصادی، دولت در نظر دارد تا در سال آینده اوراق قرضه بین المللی به مبلغ ۱۰ میلیارد یورو چاپ کند. به گفته مقامهای رژیم این مبلغ باید در بخش صنایع، انرژی، معادن و حمل و نقل سرمایه گذاری شود. نا گفته پیداست که کشوری همچون ایران با درآمد بسیار بالا از محل فروش نفت هرگز نیازمند فروش اوراق قرضه نیست، مگر این که کاسه ای زیر نیم کاسه باشد. دولت و پایوران رژیم دایم تکرار می کنند که تحریمهای بین المللی نتوانسته هیچ گونه مشکلی برای آنها به وجود آورد. اما یکی از دلایل سرمایه گذاری بین المللی در بخش صنایع و نفت و گاز در کشورهای مثل ایران، تنها حضور فیزیکی سرمایه ها نیست بلکه، سرمایه گذاران برای سود ده کردن پولهای خود سعی خواهند کرد تا از تکنولوژی و تخصص مدرن بهره ببرند و با ورود ابزار و وسایل مدرن، بخش صنعتی ای که در آن سرمایه گذاری کرده اند را بازسازی امروزی کنند. به زبان دیگر، تکنولوژی و تخصص همراه با جلب سرمایه به آن کشور راه می یابد که یکی از سودهای حضور سرمایه خارجی است. اما اکنون رژیم با فروش اوراق قرضه در صورت موفق شدن - که امکان کمی برای آن وجود دارد - اگر ۱۰ میلیارد یورو وارد کشور کند، تنها به تورم پولی خود دامن زده است. زیرا از تخصص و

تکنولوژی ای که انتظار دارد همراه این سرمایه ها به کشور راه یابد، اثری نخواهد بود. حال با این حجم عظیم پولهای تلنبار شده، دولت می تواند چه کاری انجام دهد؟ شاید فرماندهان نظامی و دزدان و دغلبازانی که به هیچ کس و هیچ مقامی پاسخگو نیستند برای این پولها کیسه دوخته باشند تا با حیف و میل کردن آن، تنها بدهکاری تازه ای را بر گردن مردم بگذارند و پولهای باد آورده را به جیب بزنند و گرنه از دست این گونه سرمایه ها کاری بر نمی آید تا دردی از هزاران درد بی درمان رژیم ولایت فقیه را درمان کند.

در همین راستا در سال گذشته مشخص شد که افرادی نزدیک به صاحبان قدرت، بانکهای کشور را غارت کرده و چیزی حدود ۴۰ میلیارد دلار این بانکها را بالا کشیده اند. این پولها تحت نام "وام" از بانکها دریافت شده و پس از طی مدت سر رسید آنها به بانک باز پس داده نشده اند. چون بانکها نیز تحت سیطره افراد صاحب نفوذ است، کسی را یاری پیگیری اموال و پولهای به یغما رفته نیست و به یک کلام می توان گفت منابع بانکها دود شده و به هوا رفته است. بعید نیست برای پولهای به دست آمده از فروش اوراق قرضه بین المللی نیز کسانی چنین برنامه هایی داشته باشند.

همچنین به دلیل نرخ بالای تورم در سال گذشته و انتظار تورمی بسیار بالاتر در سال پیش رو، سر و صدای کارگران و مزدبگیران از هم اکنون بالا گرفته است. در روزهای پایانی سال، دولت حداقل دستمزد در سال آینده را چیزی حدود ۳۰۰ هزار تومان اعلام کرد، این در حالی است که بنا به محاسبه صاحب نظران و دست اندرکاران، حداقل هزینه یک خانواده در شهر تهران چیزی بین یک میلیون تا یک میلیون و دویست هزار تومان است. با این حساب سازمانها و نهادهای کارگری اعلام کرده اند که این گونه تعیین حداقل دستمزد به مثابه تحمیل فقر و گرسنگی به کارگران و مزدبگیران است. همچنان که در سال گذشته اعتصابات و اعتراضهای کارگری در کلیه شهرهای کشور ادامه داشت، انتظار می رود در سال آینده این اعتصابات و اعتراضات از شیوه تا کنونی فراتر رفته و وارد مرحله جدیدی شود. دستگیری و زندانی کردن رهبران کارگران و فعالان حقوق کارگران نیز در سال گذشته همچنان ادامه داشت. منصور اسالو همچنان در زندان ماند و سخت گیری و ضرب و شتم گاه و بیگاه او از جمله خبرهایی است که مخابره می شود.

### سرگیجه در بحران بین المللی

در سال گذشته وضعیت پرنده اتمی همچنان یکی از بحرانهای اساسی رژیم با جامعه بین الملل بود. تغییر مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی وضعیت رژیم را به کلی تغییر داد. اگر تا کنون البرادعی، مدیرکل سابق آژانس با گزارشات دو پهلو و ملایم خود راه را برای فرار رژیم از زیر بار تعهدات خود باز میگذاشت اما یوکیاما،

بقیه در صفحه ۱۳



## چند طرح برای برون رفت از بحران و موانع آنها

### منصور امان

فراسوی خبر ۹ اسفند ۹ ماه پس از بر هم خوردن معرکه ی انتصاب ریاست جمهوری، خفزه حق مردم ایران در انتخاب سرنوشت و نمایندگان خود، با قدرت بیشتری "نظام" و رویدادهای گرد آن را به درون خود می کشد. اشتباه مرکب باند نظامی - امنیتی ولی فقیه در تغییر یکجانبه نمایش، تشریفات انتخاباتی جمهوری اسلامی که رُل تخته پرش از روی این خفزه مشروعیت را ایفا می کرد را به وزنه ای سنگین بر پای آن تغییر نقش داده است.

از این رو شگفت آور نیست که هر راه حل برخورد به بحران پس از انتخابات، مستقل از آنکه از سوی کدام صف بندی ارایه گردد، به گونه ای به مساله حق انتخاب جامعه باز می گردد.

در حالی که باند ولی فقیه هر شکلی از ابراز نظر مستقل مردم چه در خیابان و چه در پای صندوق رای را با پایان حکمرانی خود مترادف می بیند، جنبش اجتماعی، گزینه ی انتخابات آزاد با موضوع تعیین تکلیف دموکراتیک با استبداد مذهبی را در برابر خود نهاده است.

حتی راه حل های میانه ای که به میدان این کشاکش افکنده می شوند نیز به شدت تحت تاثیر فاکتور مزبور قرار دارند و در چارچوب آن طراحی می شوند. در این رابطه می توان به طرح آقای رفسنجانی اشاره کرد که مشارکتی کردن تعیین صلاحیت نامزدهای انتخابات بین باندهای ذی نفع و در واقع بازگشت دسته جمعی به شرایط پیش از ۱۳۸۴ را پیشنهاد می دهد.

در همین حال آقایان کروبی و موسوی نیز خواهان رفراندوم (کروبی) و انتخابات آزاد (موسوی) شده اند و همزمان درخواست کرده اند که به مردم اجازه داده شود تا از طریق یک راهپیمایی، نظر خود در باره حکومت را اعلام کنند و به نمایش بگذارند.

تفاوت اصلی بین طرح آقای رفسنجانی با پیشنهاد آقایان موسوی و کروبی در نقطه اتکالی ایده های آنها برای به واقعیت گراییدن است. اجرای طرح آقای رفسنجانی به رای و منفعت آیت الله خامنه ای مشروط گردیده است اما چنین می نماید که آقایان کروبی و موسوی، نیروی جنبش اجتماعی را پشتوانه پیشنهادهای خود قرار داده اند، اگر چه زاویه نگاه آنها به آماج انتخابات را بیشتر از درون "نظام" و جهت گرفته از مباحثی همچون "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" (موسوی) یا "جمهوری اسلامی واقعی" (کروبی) می توان ردیابی کرد تا بیرون آن.

مانع اصلی آقای رفسنجانی در عملی کردن طرح خود، فاصله عمیق بین دو انگاشت جا افتاده ی استبداد مذهبی یکپارچه شده و جنبش اجتماعی عرف طلب و آزادخواه است که بند بازی روی آن را به یک ماجراجویی و نه ابتکار پراگماتیستی تبدیل می کند. آقایان کروبی و موسوی توسط مراجعه شان به جنبش اجتماعی با این مانع روبرو نیستند. با این وجود، ناهمگونی میان عزیزنگاه و مقصد یا تصور ذهنی آنها از آن، راه هایی که بین این دو نقطه وجود دارد و باید پیموده شود را نیز در راه حل های این دو در حاله ای گنگ و محو فرو می برد.

## زندانی سیاسی نشان در ماندگی ولایت فقیه، نماد مقاومت مردم ایران!

### لیلا جدیدی

فراسوی خبر ۲۴ اسفند بهار آمد، گل و نسرين نیاورد - نسیمی بوی فروردین نیاورد  
پرستو آمد و از گل خبر نیست - چرا گل با پرستو همسفر نیست؟

در کمپین ناوود کردن سیاسی و فکری "غیر خودی" ها، نازیها دست به قتل عام انسان و انسانیت زدند. آنها ارزشی برای فردیت افراد قایل نبودند و انسان را در تعلق داشتن یا نداشتن به باور و نژاد خودی ارزش گذاری می کردند. وجه تشابه این تفکر و عمل با تفکر ارتجاعی و استبدادی رژیم جمهوری اسلامی نیز در همین است. زنان و مردانی که در زندانها به تخت شکنجه و دیرک اعدام بسته می شوند، در خیابانها به دست سربازان خامنه ای ضرب و شتم می شوند و آماج گلوله قرار می گیرند، متعلق به تفکر حاکم نیستند.

از زمان روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، ده ها هزار نفر زندانی، شکنجه و اعدام شده اند. در جریان خیزشهای خیابانی علاوه بر کشتار و ضرب و شتم، مزدوران خامنه ای دست به آدم ربایی زدند و بر تعداد بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی که بیشتر علیه ستم سینه سپر کرده بودند، افزوده شد.

اکنون در آستانه سال نو که خانواده های زندانیان سیاسی تلاش می کنند این ایام را با گرفتن حتی یک مرخصی کوتاه در کنار فرزندانشان بگذرانند، با سنگ بزرگ وثیقه های سرسام آور رو برو شده اند. تعیین وثیقه های ۵۰ میلیون تومانی، ۸۰۰ میلیونی و یا حتی مشخص نکردن میزان وثیقه و بلاتکلیفی آنها در صورتی که حقوق یک کارمند به طور متوسط ماهی ۵۰۰ هزار تومان و حقوق کارگران به کرامت مصوبه جدید، به ۳۰۳ هزار تومان رسیده است، معنای دیگری جز فشار بر خانواده ها و شکنجه روانی آنها ندارد.

باچ سنگین از خانواده ها در حالی طلب می شود که در بسیاری مواقع نان آور خانه خود در زندان است و یا حقوق اش ماه هاست که پرداخت نشده است. زندانیان توان مالی گرفتن وکیل مدافع ندارند و از طرفی خود و کلا از ترس پیکرد حاضر به قبول پرونده نمی شوند. مداران عذارا، ضرب و شتم و دستگیری می شوند و حتی حامیان آنها به زندان می افتند.

دستگیری روزنامه نگاران، دانشجویان و فعالان حقوق بشر همچنان ادامه دارد و در سال جدید با رو به وخامت رفتن هر چه بیشتر اوضاع اقتصادی، اعتراضات مردمی بالا گرفته و بر تعداد زندانیان سیاسی افزوده می شود.

در این میان، رژیم با آزاد کردن یک یا دو نفر مانند آقای تاج زاده و یا تعداد انگشت شماری با وثیقه های سنگین هرگز نمی تواند این داغ ننگ را از پیشانی بزاید. مردم ایران در اعتراضات خود بارها شعار آزادی همه زندانیان سیاسی را سر داده اند. با این حال اگر به فرض محال این مطالبه هم تحقق یابد، بدون شک رژیم برای دستگیریهای دوباره دندان تیز خواهد کرد.

زندانی سیاسی، آینه ضعف و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی است و همزمان نماد مقاومت مردم ایران!

سال نو را با انرژی و پر امید در تلاش برای آزادی همه زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم آغاز می کنیم.

## سال ۱۳۸۸، سال شجاعت، شهامت و جنبش بیشماران

بقیه از صفحه ۱۲

دبیر کل جدید با قاطعیت بیشتری نسبت به این پرونده عمل کرد و اولین گزارش او آب پاکی را روی دست رژیم ریخت. لو رفتن سایت فورودو در سال جدید بار دیگر دست رژیم را در حنا قرار داد. آنها که تا کنون ادعا می کردند که همه عملکردهای خود را زیر نظر آژانس انجام می دهند، به ناگاه مشخص شد که مدت چهار سال است که مخفیانه مشغول ساخت یک سایت اتمی در کوههایی در منطقه فورودو، در اطراف قم می باشند. پاننده شدن یکی از افسران سپاه به نام شهرام امیری به غرب که فرمانده سایت فورودو بود، کلیه اطلاعات این مرکز مخفی را برملا کرد و راه فرار رژیم را برای حاشا بست. به همین علت امانو، مدیر کل جدید آژانس در گزارش خود نوشت: "اطلاعات موثق و قابل قبولی وجود دارند که نشان می دهند ایران در راه دستیابی به سلاح اتمی می کوشد و در حال ساختن کلاهک اتمی است."

هرچند در ماههای قبل رژیم سعی کرده بود در ژنو از فرصت شرکت ویلیام برنز، نماینده ویژه آمریکا در جلسه استفاده کند و گفتگوی کوتاه با او را به فرصتی تازه برای فرار تبدیل کند اما طرح میداله اورانیوم که احمدی نژاد پیشنهاد آنرا داده و در ابتدا با موافقت رهبران رژیم روبرو شده بود، مورد مناقشه داخلی قرار گرفت و در نهایت رژیم زیر قول خود زد و همه قول و قرارهای جلیلی را حاشا کرد. هرچند در آذر ماه آژانس با صدور قطعنامه ای از رژیم خواسته بود تا درباره سایت فورودو توضیح قانع کننده ای دهد اما در ماه های پایانی سال ۸۸ آژانس بار دیگر نشستی برگزار کرد. نتیجه این نشست محکومیتی تازه برای رژیم بود و پرونده افتضاحات اتمی آن که در شورای امنیت باز است، برای تحریمی جدید در دستور قرار گرفت. اگر چه چانه زنیها بر روی نوع تحریم ادامه دارد اما حد و اندازه آن به هر مقدار که باشد، شکستی تازه در عرصه بین المللی برای رژیم ولایت فقیه به حساب خواهد آمد.

به دلیل همین تحریمهای شورای امنیت، در سال گذشته محموله های مختلف اسلحه رژیم در دریا که توسط کشتی قاچاق می شد توقیف گردید و نیز یک باند قاچاق اسلحه به سرپرستی خبرنگار صدا و سیما رژیم در ایتالیا به دام پلیس افتاد. در کشورهای دیگر در طول سال گذشته ماموران و واسطه های بسیاری که برای رژیم به قاچاق کتی اشتغال داشتند دستگیر شدند و تحویل مقامهای قضایی گردیدند.

اما سایه تحریم بنزین چیزی است که همچون کابوس تمام هیکل رژیم را می لرزاند. طرح سهمیه بندی بنزین در داخل کشور، فرار به جلوی دولت احمدی نژاد برای مقابله با این اتفاق بود. هرچند این تحریم به صورت جدی اجرا نشده است اما فشار آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی باعث شده که هم اکنون نیز رژیم با مشکل خرید بنزین روبرو باشد. در صورت اجرایی شدن چنین تحریمی باید گفت که دولت با مشکلی جدی برای تامین سوخت مورد نیاز خود روبرو خواهد شد.

در پایان سال گذشته سرکوب و قلع و قمع کردن روزنامه ها و نشریات ادامه داشت. اما کنترل و فیلتر اینترنت بیش از همه به چشم آمد. ارتش تبهکاران سایبری رژیم وارد عمل شد و به شیوه دزدان و گردنه بگیران به سرقت فضای اینترنتی سایتهای مخالفان پرداخت. اینترنت که یکی از ابزارهای جنبش اجتماعی برای خبر رسانی است، بیشترین وقت رژیم را برای کنترل گرفت اما با همه این سختگیریها، جوانان و فرهیخته گان ایرانی موفق شدند تا اخبار و گزارشات خود را به خوبی به سرتاسر گیتی مخابره کنند.

در سال گذشته مشخص شد که سهم کمپانیهای غربی در کنترل اینترنت و ردیابی فعالان سیاسی و اجتماعی بیش از آنی است که تصور می شد. رو شدن دست "زیمس" و "نوکیا" در همدستی با وزارت اطلاعات باعث گردید تا فعالان جنبش اجتماعی اعتراضهای وسیعی را در شهرهای مختلف جهان علیه این دو شرکت سازمان دهند و آبروی همدستان سرکوبگران مردم ایران را در برابر چشم جامعه جهانی و افکار عمومی آن ببرند.

سال ۸۸ با همه فراز و فرودهایش به پایان رسید اما غرور و توانمندی جنبش که نتیجه خودباوری مردم است مانند چراغی نورانی همچنان بر تارک این سال می درخشد.



اتحادیه دولت قانون به رهبری المالکی با تفاوت اندکی با ائتلاف عراقیه بیشترین کرسیهای مجلس را به خود اختصاص دهد که البته در این صورت نخست وزیر هم از همین ائتلاف خواهد بود. اما این ائتلاف به دلیل اختلاف اندک با ائتلاف عراقیه قادر نیست به تنهایی دولت را تشکیل دهد و مجبور است که با گروهی دیگر در دولت شریک شود تا بتواند حداقل دو سوم کرسیهای مجلس را به خود اختصاص دهد. در این صورت به سختی می تواند گروه عراقیه را در دولت شرکت ندهد زیرا که با مشکل تصویب قوانینش در مجلس روبرو خواهد گردید.

این مساله برای ائتلاف عراقیه نیز صدق می کند. البته نسبت گروههایی که حاضرند با عراقیه دولت تشکیل دهند به مراتب بیشتر از گروههایی می باشد که حاضر به تشکیل دولت با ائتلاف دولت هستند. در هر صورت ائتلافی که بیشترین کرسیهای مجلس را به خود اختصاص می دهد برای رسیدن به حد نصاب کرسی جهت تشکیل دولت می بایست ائتلافی که در رتبه دوم لیست انتخاب شده قرار دارد را در تشکیل دولت شراکت دهد، در غیر این صورت با تنشها و کشمکشهای فرقه ای روبرو خواهد شد. دولت اوپاما نیز به دلیل گریبانگیر بودن با بحرانهای اقتصادی و با توجه به این که قرار است نیروهایش را تا سال ۲۰۱۱ از عراق خارج کند، خواستار تشدید جنگهای فرقه ای و مذهبی نیست. بنابراین با این که تا کنون موضعی بی طرف به خود گرفته است، خواستار یک دولت ائتلافی در عراق است.

احتمال سوم که علاوه بر تشدید تنشهای فرقه ای و مذهبی در عراق، تضاد بین طرفین ذی نفع یعنی، رژیم و آمریکا را نیز تشدید می کند این است که به عنوان مثال ائتلاف دولت قانون بتواند با گروههای شیعه دیگر دولت تشکیل دهد و ائتلاف عراقیه را در دولت راه ندهد که البته این احتمال بعید به نظر می رسد.

تشکیل دولت عراق با توجه به شرایط کنونی انتخابات بعد از شمارش نهایی آرا مساله پیچیده ای است که باید در آینده به آن پرداخت. اما همانطور که در مطلب "صنوبر بحران به عراق با فرمان حذف شخصیتهای سکولار و ملی از انتخابات"، درج شده در نبرد خلق ۲۹۵ عنوان شد، ترکیب دولت جدید عراق در هر صورتی به شکل سابق نخواهد بود که همین مساله اهداف رژیم در عراق را تضعیف و با چالشهای فراوانی روبرو خواهد ساخت.

محرمانه، ابراز داشته که انتخابات عراق آزاد و سالم نبوده است.

مردم عراق که دو جنگ خانمانسوز را پشت سر گذاشته و با تضاد اشغال، کشمکشهای فرقه ای، دخالتهای رژیم در مسایل کشورشان و ضعف دولت کنونی روبرو می باشند، خواستار تغییر هستند. سی ان ان در این رابطه گفت: "آنان در مقابل شرایط سخت امنیتی ایستادند و خطر رای دادن را، نه به خاطر نسل خودشان بلکه، برای نسل بعدی به جان خریدند."

ملتی که با وجود بمب گذاریها و

## انتخابات عراق

### آنهایتا اردوان

بیشتری دست پیدا خواهد کرد. ائتلافی که به رهبری ابراهیم جعفری در انتخابات شرکت می کند نسبت به دو ائتلاف بالا در استانهای شمالی و جنوبی با رای کمتری روبرو است.

انتخابات پارلمانی عراق که یکشنبه، ۱۶ اسفند با انفجار بمب و حملات تروریستی آغاز شد تیتراژ اول بسیاری از رسانه های خبری را به خود اختصاص داده است.

چندین ائتلاف بزرگ از جمله "ائتلاف عراقیه" به رهبری ایاد علاوی، "ائتلاف دولت قانون" به رهبری نوری المالکی، "ائتلاف ملی عراق" به رهبری ابراهیم جعفری و ائتلاف چلبی در این انتخابات شرکت دارند و کشمکشها بین دولت المالکی و نیروهای سکولار هنوز ادامه دارد. بدون شک شکل گیری دولت جدید عراق برای دولتهای سرمایه داری، به ویژه امپریالیسم آمریکا به رهبری اوپاما که نیروهایش تا چند ماه دیگر باید خاک عراق را ترک کنند، حایز اهمیت است. نتیجه این انتخابات برای استبداد مذهبی حاکم بر ایران که ایجاد "خاورمیانه اسلامی" را به عنوان محور استراتژیک در منطقه از ابتدای ظهور در دستور کار قرار داده است نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از دیگر سو، همانطور که این پدیده برای دولتها، به عنوان ابزار اعمال قدرت طبقه حاکم، مهم ارزیابی می شود، نزد آنانی که خواستار ایجاد خاورمیانه ای مستقل و دموکرات به عنوان پایه صلح و عدالت هستند نیز دارای اهمیت می باشد زیرا که این انتخابات قادر است تاثیر بسزایی بر مبارزه ملت‌های تحت ستم خاورمیانه به خصوص ملت عراق و ملت ایران داشته باشد.

آنچه تا کنون از سوی رسانه های جهانی اعلام شده است نشان می دهد که ائتلاف عراقیه به رهبری ایاد علاوی در مناطق سنی نشین مانند استانهای نینوا، انبار و کرکوک از دیگر ائتلافها جلو تر است. به همین ترتیب ائتلاف دولت قانون نیز به رهبری نوری المالکی در مناطق شیعه نشین دست بالا را دارد. بدون تردید شرکت سنیها در انتخابات کنونی با توجه به این که آنان انتخابات سال ۲۰۰۵ را تحریم کرده بودند، قادر است وزنه تعادل را به نفع فراکسیون ایاد علاوی که خواستار دولتی عرفی و مخالف انتخابات طایفه ای است، تغییر دهد. این ائتلاف در حال حاضر فقط ۲۵ کرسی در مجلس عراق دارد که با توجه به آنچه تا کنون در رابطه با شمارش آرا منتشر شده است، در مجلس آینده عراق به کرسیهای

**خبرهای متعددی از سوی رسانه های عراقی و رسانه های خارجی مبنی بر دخالت رژیم ولایت فقیه در شمارش آرا با توسل به نیروهای وابسته گزارش شده که با توجه به ماهیت و منافع استبداد حاکم بعید نیز به نظر نمی رسد.**

حملات تروریستی در انتخابات شرکت کرده اند، با شنیدن مساله دستکاری رای شان به خشم آمده، افسرده و نگران نتیجه آن هستند. این مساله که لیست عراقیه حتی در بسیاری از استانهای شیعه نشین نیز بیشترین رایها را به خود اختصاص داده است، نشاندهنده روی برگرداندن مردم از نیروها و احزاب سیاسی شیعه، مانند "مجلس اعلائی اسلامی عراق" که ائتلاف پارلمانی ائتلاف یکپارچه عراق را تشکیل داده اند، به دلیل تامین منافع استبداد مذهبی حاکم بر ایران می باشد. مردم شیعه متوجه شده اند که یک سری از جریانهای سیاسی با استفاده از شیعه گری، منافع ملی عراق را زیر پا می گذارند پس، به سوی گروههای ملی و سکولار گرایش پیدا کرده اند. در این صورت سهم ائتلافهایی مانند ائتلاف یکپارچه عراق به میزان قابل توجه ای کاهش پیدا کرده است. از دیگر سو، مرگ حکیم و جانشینی فرزند وی برای جریان حکیم تاثیرات مثبتی در جذب نیروهای شیعه نداشته است.

تازه ترین نتایج منتشر شده بعد از شمارش هشتاد درصد آرا نشان می دهد که ائتلاف عراقیه به رهبری ایاد علاوی برای اولین بار با برتری اندکی

خبرهای متعددی از سوی رسانه های عراقی و رسانه های خارجی مبنی بر دخالت رژیم ولایت فقیه در شمارش آرا با توسل به نیروهای وابسته گزارش شده که با توجه به ماهیت و منافع استبداد حاکم بعید نیز به نظر نمی رسد. سخنگوی رسمی ائتلاف عراقیه، دولت آمریکا را به موضع گیری در مقابل تقلباتی که توسط رییس هیات رابطه با عراق در پارلمان اروپا، سازمانهای غیردولتی و گروه های سیاسی دیگر عنوان شده، متعهد دانست. استروان استیونسون، رییس هیات رابطه با عراق در پارلمان اروپا تاخیر مشکوک در اعلام نتایج انتخابات عراق را با توجه به این که کمیساریای انتخابات عراق قبل از این اعلام کرده بود نتایج سی درصد آرا به اطلاع عموم خواهد رسد اما هنوز این کار را انجام نداده است، نگران کننده اعلام کرد. وی اضافه کرد که "تقلبات گسترده ای که در حین انتخابات صورت گرفت و تاخیر در اعلام نتایج انتخابات، نه تنها مشروعیت انتخابات را زیر علامت سوال می برد بلکه، طرح جلو راندن عراق به سوی بحران را تقویت می کند.

**ترکیب دولت جدید عراق در هر صورتی به شکل سابق نخواهد بود که همین مساله اهداف رژیم در عراق را تضعیف و با چالشهای فراوانی روبرو خواهد ساخت.**

از ائتلاف نوری المالکی پیشی گرفته است. ائتلاف ملی عراق که شامل گروههای مذهبی مانند مجلس اعلائی اسلامی و گروه مقتدی صدر می باشد، در رده سوم و ائتلاف کردها در رده چهارم است.

با نگاهی مختصر به اخبار و گزارشها می توان حداقل سه احتمال را در نظر گرفت. اولین احتمال آن است که

سازمان ملل متحد، دولت آمریکا و اتحادیه اروپا، باید قویاً با هرگونه تحریف آرای مردم عراق مقابله کنند و از این که عراق به دوران خشونت‌های فرقه‌گرایانه برگردد، جلوگیری به عمل آورند. خبرگزاری رویتر نیز با اشاره به یک گزارش

در این زمان سرگشتگی، فرضیه کمونیستی هم چنان یک ایده آینده است که با وجود انحرافهایش در قرن بیستم هنوز از اعتبار نیفتاده است. ارزش اخلاقی متناسب با آن چیست؟

## شهادت تحمل زمان حاضر\*

نوشته آلن بادبو\*\*  
ترجمه منوچهر هزارخانی

من می رسد که وارد مرحله سوم زندگیش شده است.

فرضیه کمونیستی بین انقلاب ۱۸۴۸ و کمون پاریس در ۱۸۷۱، به نحوی گسترده تثبیت شد. مضامین عمده آن مضامین جنبش کارگری و قیام بودند. بعد دوره فترتی طولانی، در حدود ۴۰ سال (بین ۱۸۷۱ و ۱۹۰۵) برقرار شد که با اوجگیری امپریالیسم اروپایی و تکه پاره کردن بسیاری از مناطق جهان ربط داشت. سکناسی که از ۱۹۰۵ تا ۱۹۷۶ (انقلاب فرهنگی چین) ادامه داشت، دومین سکناس از به اجرا آوردن فرضیه کمونیستی بود.

مضمون اصلی آن، مضمون حزب بود با شعار عمده و بی گفتگوش: انضباط تنها سلاح کسانی است که هیچ ندارند. از ۱۹۷۶ تا امروز، دوره دومی از تثبیت واکنشی است که هنوز ادامه دارد، و طی آن به طور عمده شاهد فروپاشی دیکتاتوریه‌های سوسیالیستی با حزب واحد بودیم، که در سکناس اول به وجود آمده بودند.

اعتقاد من این است که سکناس سومی از فرضیه کمونیستی، متفاوت از دو سکناس پیشین، گشوده خواهد شد که به خلاف انتظار به سکناس اولی نزدیک تر خواهد بود تا به دومی. این سکناس در واقع با سکناسی که در قرن نوزده برجستگی داشت، دارای این وجه اشتراک خواهد بود که خود فرضیه کمونیستی، که امروزه به طرز گسترده مورد انکار قرار گرفته است، موضوع اصلیش را تشکیل می دهد. آنچه را که من با کمک کسانی دیگر می کوشم تا انجام دهم، می توان به عنوان کار مقدماتی برای برقرار کردن مجدد فرضیه مزبور و گشایش دوره سومش در نظر گرفت.

ما در این سرآغاز سکناس سوم وجود فرضیه کمونیستی، به یک اخلاق موقت متناسب با دوران سرگشتگی نیاز داریم. می بایست به حداقلی از یک موضع ذهنی دست پیدا کنیم، بدون آن که از پشتیبانی فرضیه کمونیستی - که هنوز در مقیاس بزرگ برقرار نشده است - برخوردار باشیم. مهم این است که یک نقطه واقعی پیدا کنیم و به هر قیمت که شده به آن بچسبیم، نقطه یی «غیرممکن» و غیرقابل درج در قانون وضعیت. باید به یک نقطه واقعی از این نوع بچسبیم و نتایج مترتب بر آن را سازمان دهیم.

شاهد اساسی در مورد این که جوامع ما به نحوی آشکار غیرانسانی اند، امروزه بقیه در صفحه ۱۶

اصل برابری امکان می دهد که در هر اقدام جمعی، آن چه را که با فرضیه کمونیستی همگون است و بنابراین دارای یک ارزش واقعی است، از آن چه در جهت عکس آن است و بنابراین به دیدگاهی حیوانی از انسان راه می برد، تمیز داد.

بعد از آن این اعتقاد مطرح می شود که وجود یک دولت سرکوبگر جداگانه، ضرورتی ندارد. این، نظریه مشترک آنارشیستها و کمونیستها در مورد زوال تدریجی دولت است. جوامعی بوده اند که دولت نداشته اند، و منطقی است که بپذیریم چنین جوامعی می توانند باز هم وجود داشته باشند. اما به خصوص می توان اقدامات سیاسی مردمی را خارج از فکر قدرت یا نمایندگی در تشکیلات مملکتی، انتخابات و غیره سازمان داد.

فشار آزادی بخش اقدام سازمان یافته می تواند از خارج دولت اعمال شود. نمونه های فراوانی از آن حتی در دوران اخیر سراغ داریم: قدرت غیرمنتظره جنبش دسامبر ۱۹۹۵، که باعث شد تصمیمات ضد مردمی در مورد بازنشستگی چندسال به عقب بیفتد. اقدامات مبارزه جوانه به طرفداری از کارگران فاقد جواز رسمی، مانع از تصویب بسیاری قوانین جنایتکارانه نشد، اما امکان داد که این کارگران، به عنوان بخشی از زندگی جمعی و سیاسی ما به طور وسیع به رسمیت شناخته شوند.

و آخرین محور، این که سازماندهی کار، مستلزم تقسیم آن، تخصصی شدن وظایف و به خصوص تمایز اختناق آور کاریدی از کار فکری نیست. می بایست و می توان چند شکلی بودن اساسی کار انسانی را هدف قرار داد. این، اساس مادی محو طبقات و سلسله مراتبهای اجتماعی است.

این سه اصل، برنامه یی را تشکیل نمی دهند، بلکه رهنمودهایی هستند برای جهت یابی، که هر کس می تواند با تکیه بر آنها، آن چه را در رابطه با فرضیه کمونیستی به طور فردی یا جمعی می گوید و عمل می کند، مورد ارزیابی قرار دهد. فرضیه کمونیستی دو مرحله بزرگ را پشت سر گذاشت و به نظر

«انقلاب فرانسه مجموعه یکپارچه یی را تشکیل می دهد». این فرمول از آن رو اهمیت دارد که قابلیت قرائت سراسر روند را، فارغ از همه تحولات فاجعه بارش، طلب می کند.

روشن است که امروزه، در مورد کمونیسم است که گفتمان رایج، سکناس قبلی را به یک بیمارگونگی غیرشفاف مبدل می کند. بنابراین من به خود اجازه می دهم که بگویم سکناس کمونیستی هم، شامل تمامی طیف گرایشهایی که چه در موضع قدرت و چه در اپوزیسیون خود را پیرو یک ایده واحد می دانستند، یک مجموعه یکپارچه را تشکیل می دهد. خوب، در این صورت، اصل پایه یی و جهت گیری واقعی امروز را چه می توان نام داد؟ به هر حال من، باوفاداری به تاریخچه سیاستهای رهایی طلب، پیشنهاد می کنم به آن فرضیه کمونیستی نام دهیم.

در ضمن جادارد خاطر نشان کرد که منتقدان ما عقیده دارند که چون تجربه کمونیسم دولتی پس از هفتاد سال با ناکامی فاجعه باری روبه رفته است، باید واژه «کمونیسم» را به زباله دان انداخت. چه شوخی خنکی! وقتی قرار است تسلط صاحبان ثروت و میراث خواران قدرت را که از هزاران سال پیش تا کنون ادامه دارد برانداخت، حاصل هفتاد ساله را هجویه های چشم بسته و توأم با خشونتها و بن بستها را به رخ ما می کشند! واقعیت این است که ایده کمونیستی جز بخش ناچیزی از زمان تحقیق و تحقق خود را طی نکرده است.

این فرضیه چیست؟ این فرضیه بر سه محور استوار است.

نخست، ایده برابری. ایده بدبینانه مشترکی که باز این روزها تسلط پیدا کرده، این است که طبع بشر طالب نابرابری است، و البته جای تاسف است که چنین است، ولی پس از نثار چند قطره اشک به این مناسبت، مهم این است که اعتقاد پیدا کنیم باید به آن رضایت داد. پاسخ کمونیسم به این ایده دقیقاً مطرح کردن برابری است، اما نه به عنوان برنامه - برابری ریشه داری را که جزء طبیعت انسانی است، تحقق بخشیم! - بلکه با پیش کشیدن این فکر که

زمان کنونی در کشوری مثل کشور ما، از تقریباً سی سال پیش به این طرف، زمان سرگشتگی است؛ منظورم زمانی است که به جوانان خود، به ویژه جوانان برخاسته از توده مردم، هیچ اصلی برای جهت دادن به زندگی عرضه نمی کند.

این سرگشته سازی دقیقاً عبارت از چیست؟ به هر حال یکی از اعمال مهمی که انجام می دهد عبارت است از ناخوانا کردن سکناس تاریخی ماقبل، سکناسی که کاملاً جهت داشت. این عمل مشخصه همه دوره های واکنشی و ضدانقلابی است. مثل همین دوره ۱۹۷۰ به بعد، که ما در آن قرار داریم.

به عنوان مثال می توان یادآور شد که مشخصه واکنش ترمیدوری، بعد از توطئه ۹ ترمیدور و اعدام بی محاکمه رهبران بزرگ ژاکوبین، ناخوانا کردن سکناس ماقبل، یعنی سکناس روبسیپیری، از طریق فروکاستن آن به بیمارگونگی چند جنایتکار خون آشام، در نتیجه، جلوگیری از هر نوع درک سیاسی آن بود. این نحوه نگرش دهها سال ادامه یافت و هدفش سرگشته ساختن مداوم خلقی بود که بالقوه انقلابی تلقی می شد - و هنوز هم می شود.

ناخوانا کردن یک دوران، چیز دیگری است، خیلی بیشتر از محکوم کردن صاف و ساده آن است. چون یکی از نتایج ناخوانا شدن، آن است که دیگر کسی در صدد برنمی آید تا در دوران مورد بحث، دنبال پیدا کردن اصولی بگردد که می توانست چاره ساز بن بستهای آن دوران باشد. اگر دوران بیمارگونه اعلام شود، دیگر تعیین جهت یابی آن بلاموضوع است و نتیجه اش - که هر روز اثرات زیان بارش را شاهدیم - آن است که می بایست، به عنوان راه حل کم ضررتر، به همین سرگشتگی راضی شد.

بنابراین در مورد یک سکناس قبلی و کاملاً به پایان رسیده، بپذیریم که قضاوتمان در موردش هر چه هست، باید آن سکناس بر ایمان خوانا و قابل قرائت بماند.

در بحث مربوط به انقلاب فرانسه در زمان جمهوری سوم، کلمانسو فرمول معروفی را عنوان کرد:



## هوردزین

روز ۲۸ ژانویه این انسان بزرگ در گذشت و مردم ترقیخواه را در غم گذاشت.

اسد طاهری



هوردزین در سال ۱۹۲۲ در نیویورک از خانواده ای یهودی متولد شد. او تمام زندگی در مبارزه بود و هیچگاه از نظرات و عقایدش عقب ننشست. او در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹ در اوج سربلندی درگذشت.

او از دانشگاه نیویورک و دانشگاه کلمبیا دکترای خود را گرفت. سال ۱۹۶۵ در یک دانشگاه زنان ایالت آتلانتا (سیاپوست) شروع به تدریس کرد و همزمان در جنبش حقوق مدنی فعالیت مستمر داشت. اوایل سال ۱۹۶۰ به عنوان یک انسان ضد جنگ و مدافع حقوق مدنی مشهور شد. فعالیت های او باعث شد که از دانشگاه اخراج شود. سپس او به دانشگاه بستون می رود.

هوردزین کارگر کنشی سازی بود و در جنگ جهانی دوم بطور داوطلب به عنوان خلبان نیرو هوایی به جنگ رفت. در اکثر بمباران شرکت داشت. بعد از جنگ اعلام کرد که همه چیز را عیان خواهد کرد، اواخر جنگ به ما دستور دادند که یک گروه از آلمانیها که در خاک فرانسه بودند بمباران کنیم، من بمب ناپال روی آنها ریختم، وقتی که از جنگ برگشت گفتم من این لباس و این وسایل را به زباله دان می ریزم و قول می دهم هیچگاه جنگ نکنم و تلاش کنم که دیگران هم این کار را نکنند. بعد از آن تمام زندگی را وقف جنبشهای آزادیبخش و ضد جنگ کرد. او می گفت جنگ یک موحتی است (اللهی) برای ۵ تا ۱۰ درصد اجتماع آنهایی که حکومت ضد مردمی در دست دارند.

هوردزین یکی از اولین آمریکا نیان بود که به ویتنام شمالی رفت و با نخست وزیر ویتنام شمالی دیدار کرد

## چگونه فتوای خامنه ای

بار دیگر

رنگ باخت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۲۶ اسفند

جنبش بیشماران در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، چالوس، اردبیل، خرم آباد، کرج و ... بار دیگر برج و باروی ولایت خامنه ای با همه دم و دستگاه سرکوبش را به سخره گرفت و نشان داد که این شعله سر خاموشی ندارد. شعار مرگ بر دیکتاتور استبداد به گوش همگان رسید و جشن شب چهارشنبه سوری امسال را به یک نبرد کامل بین مردم و ارتجاع تبدیل کرد. ۲۵ خرداد به پر صدا ترین و سیاسی ترین چهارشنبه سوری در تاریخ ایران به ثبت رسید. در خیابانهای تهران، جوانان با ترقه به استقبال نیروهای سرکوبگر رفته و آنها را گوشمالی دادند. عکسهای خامنه ای در منطقه ملاصدرا و بسیاری از مناطق دیگر با شعله های آتش خشم مردم به خاکستر تبدیل شد.

رژیم بعد از همه تهدیدها و فتوا دادنها، برای ممانعت از جمع شدن مردم در خیابانها، اعلام کرد که سه شنبه شب ۱۱ فیلم سینمایی را از شبکه های تلویزیونی اش پخش خواهد کرد. فیلمهایی از کشورهای اروپایی و آمریکایی. در استانه شب چهارشنبه سوری سبک های تلویزیونی رژیم اقدام به پخش عکسهایی از صدمه دیدگان، چشمهای آسیب دیده، صورت آش و لاش و ... که در اثر ترقه های جشن چهارشنبه سوری به چنین روزی گرفتار شده اند، برای ارعاب و ترس مردم و جلوگیری از خارج شدن مردم از خانه ها پخش کرد. این اقدامهای نمایشی در اراده مردم برای تو دهنی زدن به خامنه ای بی تاثیر بود و مردم ایران به خصوص در تهران از شهر ری تا تجریش و از نارمک تا میدان آزادی و از پیر و جوان به خیابانها آمدند و همراه با رقص و پایکوبی علیه حکومت شعار دادند.

بنا بر گزارش رسانه ها و همچنین گزارشهای مردمی، شب چهارشنبه سوری امسال از همه سالها، گسترده تر و با شرکت وسیع مردمی غیرم تسخیر خیابانها توسط نیروهای انضامی، سپاه و بسیج بار دیگر نشان داد که بحران انقلابی همچنان وجود دارد و عزم مردم برای سرنوشتی و تغییر دموکراتیک همچنان جریان دارد. بر اساس گزارشها تعداد زیادی از جوانان دستگیر و یا مفقود شده اند. آزادی همه دستگیر شدگان این روز و نیز آزادی همه زندانیان سیاسی با تداوم حرکتهای اعتراضی می تواند تحقق یابد.

شهامت تحمل

زمان حاضر

بقیه از صفحه ۱۵

پروتر خارجی بدون جواز اقامت و کار است. او نشانه بی است از ذات وضعیت ما و حکایت از آن می کند که فقط یک جهان وجود دارد. برخورد با پروتر خارجی، چنان که انگار از یک دنیای دیگری آمده است، وظیفه ویژه بی است که به «وزارت هویت ملی» واگذار شده است و این وزارتخانه نیروی پلیس خاص خودش را هم دارد («پلیس مرزی»). در برابر این دستگاه دولتی، تاکید بر این که هر کارگر بی جواز متعلق به همین جهان ماست، و نتیجه گیری عملی، تساوی طلبانه و مبارزه جویانه از آن، می تواند نمونه بی کامل از یک اخلاق موقت و یک جهت گیری محلی همگون با فرضیه کمونیستی در این دوره سرگشتگی جهانگیر باشد که تنها با استقرار مجدد فرضیه مزبور برطرف خواهد شد.

آن فضیلت اساسی که مورد نیاز ماست، شهامت است. این، البته عمومیت ندارد، چون در شرایطی دیگر، داشتن فضیلتهای دیگری ممکن است اولویت پیدا کند. مثلاً در زمان جنگ انقلابی در چین، مانو صبر و شکیبایی را فضیلت اساسی دانسته بود. اما امروزه، بی هیچ تردید، شهامت این مقام را دارد. **شهامت فضیلتی است که بی اعتنا به قوانین دنیا، با تحمل «غیرممکن» خود را نشان می دهد. باید به هر نقطه غیرممکن چسبید، بی آن که خود را مسؤل کل وضعیت دانست: شهامت در برخورد با نقطه به عنوان نقطه، یک فضیلت محلی است.** این فضیلت از یک اخلاق محل سرچشمه می گیرد و افق پیش رویش فرضیه کمونیستی است.

\* برگرفته از روزنامه لوموند،

۱۴ و ۱۵ فوریه ۲۰۱۰

\*\* آلن بادو متولد سال ۱۹۳۷،

فیلسوف، درام نویس و استاد فلسفه در L'Ecole normale supérieure



## زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

### «هشت مارس، روز تجدید میثاق با مبارزه زنان زحمتکش جهان بر شما مبارک باد!»

#### موقعیت زنان عراقی در زمان صدام حسین بهتر بود

رویت، ۱۷ مارس ۲۰۱۰ - زنان در زمان صدام حسین حق یک سال مرخصی در زمان بارداری داشتند که امروز این مرخصی به شش ماه کاهش پیدا کرده است. زنان عراقی بر اساس قانون وضعیت شخصی که از ۱۴ جولای سال ۱۹۵۸، زمانی که عراقها سلطنت انگلیسی را منقرض کردند، حقوقی برابر با حقوق زنان در کشورهای غربی داشتند. اما امروز بند ۲ قانون اساسی به روشنی ابراز می دارد که "مذهب رسمی کشور اسلام، منبع قانونگذاری می باشد." بنابراین، قانونی که با قواعد مذهب اسلام مغایرت داشته باشد، به تصویب نخواهد رسید. حقوق زنان بر اساس همین بند، از سوی مراجع دینی که تحت تاثیر رژیم ایران هستند، تعبیر و تفسیر می شود. "یونار محمد"، فعال حقوق زنان و فعال سیاسی ابراز می دارد که دولت آمریکا تصمیم گرفته است که به حقوق زنان در عراق اهمیتی ندهد و بدین ترتیب گروههای افراط گرای اسلامی، جنوب عراق را به طور کلی در دست دارند و از سوی رژیم ایران مورد حمایت سیاسی و مالی قرار می گیرند.

#### روز جهانی زن در کره جنوبی

تایمز، ۱۰ مارس ۲۰۱۰ - ۱۸۹ زن از تشکلهای فرهنگی و حقوق بشری شامل "فدراسیون تشکلهای زنان کره جنوبی" به مناسبت روز جهانی زن در تاریخ شش مارس با برگزاری راهپیمایی بر خواستههای خود تاکید کردند. سخنگویان راهپیمایی، دولت را به دلیل اعمال سیاستهایی که تبعیض جنسیتی را تشدید می کند و یکی از دلایل اقدام نکردن دولت علیه کاهش روزانه شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و استخدام می باشد، متهم کردند. آنان عنوان کردند که دولت با اعمال سیاستهایی شکاف بین ثروتمندان و فقیران را در جامعه افزایش می دهد و حقوق اولیه زنان را لگدمال می کند. آنها از مردم خواستند تا برای ایجاد جامعه ای که حقوق زنان به طور کامل در آن رعایت شود، مبارزه کنند. تشکیل جنبشی پر انرژی به عنوان اولین گام جهت تشکیل چنین جامعه از سوی این زنان مهم ارزیابی شد.

#### اختصاص حداقل یک سوم کرسیهای پارلمان هند به زنان

خبرگزاری استرالیا، ۱۰ مارس ۲۰۱۰ - فعالان حقوق زنان در هند با تصویب قانونی که حداقل یک سوم کرسیهای پارلمان را به زنان واگذار کرد، اعلام پیروزی کردند. این پیروزی نه به سرعت و نه راحت به دست آمد. طرح مزبور ۱۴ سال پیش پیشنهاد شده بود که اکنون به تصویب رسید. در حال حاضر فقط ده درصد از اعضای پارلمان زن هستند.

زنان مبارز در هند با بستن خیابانها، برگزاری راهپیمایی، اعتصاب غذا و دستگیر شدن توانستند دولت را به تصویب این طرح مجبور سازند. این کار بدون همبستگی احزاب چپ، دیگر احزاب طرفدار حقوق زنان، فعالان تشکلهای غیر دولتی و فعالان حقوق اجتماعی امکان پذیر نبود.

#### بزرگداشت روز جهانی زن با شرکت دویست هزار زن در ونزوئلا

تحلیل مسایل روز ونزوئلا، ۹ مارس ۲۰۱۰ - مراسم بزرگداشت روز جهانی زن با شرکت دویست هزار زن و برخی از رهبران سیاسی زنان در ونزوئلا برگزار شد. این روز توسط دانشجویان و زنان در روستاها و شهرهای کوچک این کشور نیز جشن گرفته شد. ۲۳۳ زن در شهر "گورو" با برگزاری نشست به مناسبت گرامیداشت هشت مارس، بر فعالیتهای اجتماعی زنان تاکید ورزیدند.

#### حقوق زنان مهاجر می بایست مورد حمایت قاطع قرار گیرد

الیران آن لاین، ۹ مارس ۲۰۱۰ - صد سال از به رسمیت شناخته شدن نقش زنان در جوامع می گذرد اما حقوق آنها هنوز به طور کامل رعایت نمی شود. حقوق زنان مهاجر به عنوان حقوق نیمی از مهاجرین دنیا پایمال می شود. دولتها می بایست با سرمایه گذاری جهت اصلاح خدمات بهداشتی و آموزشی برای زنان، پدیده مهاجرت را به مساله ای انتخابی و نه الزامی تبدیل کنند.

زنان کارگر مهاجر در پروسه جهانی سازی سرمایه داری با تبعیض طبقاتی، نژادی، مذهبی و جنسیتی به دلیل موقعیت بی وطنی و یا بی ثباتی روبرو هستند. اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی، زنان را برای انباشت سود بیشتر با بهره کشی جنسی و همچنین به عنوان نیروی کار ارزان قیمت به کالا تبدیل کرده است. این پدیده زنان را به کار کردن در خانه های مجبور ساخته است از اینرو سود حاصل شده از کار آنان در نتیجه ساعات کار طولانی و عدم امکانات رفاهی را به دو چندان افزایش می دهد.

#### مبارزه برای برابری هنوز در ابتدای راه قرار دارد

رویت، ۷ مارس ۲۰۱۰ - زنان انگلیسی نسبت جمعیت شان هنوز به کارهای مدیریتی دست پیدا نکرده اند و دستمزدی کمتر از همکاران مرد خود دریافت می کنند. یک تحقیقات جدید نشان می دهد که از ۲۷۴۲ کار مدیریتی در شرکتهای شهر لندن تنها ۲۴۲ آن به زنان تعلق دارد که حتی این میزان نیز در بخش مدیریت اجرایی نیست. درآمد زنان، ۱۷ درصد کمتر از مردان می باشد، این در حالیست که یکی از نتایج مبارزه زنان در دهه شصت، تصویب طرح پرداخت حقوق برابر و جلوگیری از تبعیض در این رابطه بود که با توجه به این آمار هنوز رعایت نمی شود.

#### تجاوز جنسی در کلمبیا در حال افزایش است

اسوشیتدپرس پرس، ۷ مارس ۲۰۱۰ - سازمان عفو بین الملل در بیانیه خود به مناسبت روز جهانی زن به افزایش رشد تجاوز جنسی به زنان در کلمبیا اشاره کرد و ادامه داد که به قربانیان این جنایت معمولاً به چشم بدنام و کسی که لکه ننگی به همراه دارد، نگاه می شود و عدالت در حق آنها رعایت نمی شود. آمار دقیقی در مورد تجاوز جنسی در کشور کلمبیا در دست نیست اما کسانی که با قربانیان این جنایت از نزدیک کار می کنند ابراز می دارند که این مساله در حال رشد است و بخش بسیار چشمگیری از قربانیان را کودکان تشکیل می دهند. سیستم پلیسی کشور از دسترسی قربانیان به امکانات بهداشتی و دادگستری جلوگیری می کند در حالیکه متهم معمولاً بدون تحمل مجازات، آزادانه در جامعه باقی می ماند.

سازمان عفو بین الملل با سی زن قربانی تجاوز جنسی بین ۱۰ تا ۴۰ سال گفتگو کرده است که بیشتر این زنان آن قدر فقیرند که قادر به پرداخت هزینه درمان و امکانات پزشکی و یا پرداخت هزینه شکایت از متهم به ماموران پلیس و قضایی نبوده اند. بیشتر این زنان تصمیم به خودکشی گرفته و یا خودکشی کرده اند.

زنان و دختران فقیر بیشتر از دیگر زنان مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. زیرا آنان قادر به دفاع از خود قبل و بعد از تجاوز نیستند.

#### زنان فقیر عراقی طعمه گروههای تروریستی

اسوشیتدپرس پرس، ۴ مارس ۲۰۱۰ - تعداد زنان عراقی که در زمان جنگ همسر خود را از دست داده اند، زنان مطلقه و زنانی که همسرانشان آنان را ترک کرده اند در ایالت "انبار" به بیش از صد هزار نفر می رسد که منبع درآمدی ندارند. ماموران دولتی منطقه و گروههای حمایتی انسانی ابزار می دارند که این زنان به کارهای بمب گذاری و تروریستی جذب می شوند تا از فقر و فلاکت فرار کنند. گروههای مسلح از فقر این زنان سوءاستفاده می کنند و آنان را به کارهای خطرناک وادار می سازند زیرا این زنان حاضرند برای نجات کودکان خود از گرسنگی به هر کاری دست بزنند.

#### گوش و بینی او را به دلیل بی احترامی به خانواده شوهر بریدند

سی ان ان، ۱۸ مارس ۲۰۱۰ - عایشه، دختری نوزده ساله از افغانستان می گوید: "زمانی که گوش و بینی مرا بریدند، بیهوش شدم." او هنوز زیباست و دارای اعتماد به نفس بالایی می باشد. خانواده عایشه زمانی که او بیشتر از هشت سال نداشت همراه با خواهر کوچکترش برای حل و فصل یک مشاجره به عنوان "کالا" به مردان خانواده دیگری برای همسری قول داده می شوند. زمانی که او شانزده سال بیشتر نداشت به پدر شوهر و ده برادر بقیه در صفحه ۱۸

## بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

### سایت کانون مدافعان حقوق کارگر

با تجربه ای پر از رنج و امید که پشت سر گذاشته ایم، روز جهانی زن را به همه ی زنان جهان و ایران به ویژه آزادی خواهان و فعالان برابری و رهایی زن، تبریک می گوئیم.

زنان آگاه جامعه ی ما مبارزه ی شجاعانه بی سابقه و گسترده ای را علیه ستم، تبعیض، خودکامی و تحقیر آغاز کردند و تحسین همگان را برانگیختند. تلاش زنان آزادی خواه ایران در سال های گذشته با سرکوب و دستگیری، شکنجه، تجاوز، مرگ و ترور خیابانی رو به رو بود و در همین حال تبلیغاتی دروغین را در برابر خود دیدند. اما انده ژرف، ما را از امید به فردای روشن و بهتر باز نمی دارد.

ما شاهد رشد مبارزاتی برابری جوانان زن و به ویژه تعمیم آن بودیم. برابری خواهی چندان در سطح باقی ماند زیرا آگاهی و نیروی اجتماعی زنان به این باور رسید که نمی تواند انتظار مرحمت آزادی و برابری داشته باشد. تغییر سیاست های جزئی، مقطعی و نمایشی نسبت به امور زنان هرگز زنان ما را از ماهیت سرکوبگرانه و ضد برابری و آیدئولوژیک، که تبعیض را مقدس می شمرد غافل نکرد. اما نه تنها زنان در جنبش مستقل دموکراتیک حضور یافتند، بلکه از سطحی گرایسی وساده انگاری اصلاح طلبی فاصله گرفتند و با پیوستن روزافزون به مبارزه ی همه جانبه ی اجتماعی برای محو کامل خودکامی، تحجر و بهره کشی و بی عدالتی ها، راه خود را ادامه دادند.

امروز برابری برای زنان ما در خواسته های زیر متبلور شده است:

- برابری اقتصادی شامل رفع تبعیض در مشاغل
- برابری حقوق مساوی با مردان در مقابل کار مساوی، حق انتخاب کار، حق برخورداری از حقوق اجتماعی کار زنان و امنیت شغلی و موارد مشابه
- برابری سیاسی برای برگزیدن و برگزیده شدن در تمام شئون دموکراتیک
- برابری اجتماعی شامل حق کامل انتخاب پوشش، رفت و آمد، بیان، شرکت یا عدم شرکت در تشکلهای و جز آن
- زنان ما که خود را در پیوند زنده با جبهه ی کار می دانند نه جبهه ی سرمایه، چه خصوصی باشد چه دولتی. به برابری های ساده، تشریفاتی وعده های پوچ آیدئولوژی مسلط و دلخوشی های

## بیام روز جهانی زن: زن = مرد، انسان = انسان

### لیلا جدیدی

روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) بر همه زنان و مردانی که برای برابری زن و مرد تلاش می کنند و به همه زنان تحت ستم جهان گرامی باد. روز جهانی زن، فقط روز رد و بدل کردن کارت پستال نیست، این روز نماد بیش از ۱۵۰ سال جدال سرسختانه زنان برای رفع تبعیض جنسیتی ست. با اینکه این مبارزات دستاوردهای چشمگیری داشته است و از این رو باید از آن با افتخار یاد کرد، روزی است که در عین حال بزرگترین ننگ جهان متمدن را برجسته می کند. این روز بر پیشانی استبداد مذهبی جمهوری اسلامی داغ ننگ عمیق تری بر جای گذاشته است. اما اراده زنان ایرانی در رویارویی با رژیم و قوانین ارتجاعی آن در زمره افتخارات ما است.

امروز یک فرصت دوباره برای آن است که به کسانی که می خواهند رژیم را اصلاح یا وادار به رعایت قوانین خود کنند، ننگ قانون شده جمهوری اسلامی یادآوری شود.

مهمترین قوانین ضد زن از بهار ۵۸ تدوین شد. قانون پیشین حمایت از خانواده " که خود ناکافی بود، به طور رسمی لغو و حق طلاق به مراجع شرعی سپرده شد. سپس، سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال کاهش یافت، حق قضاوت از زنان سلب شد، هنرستانهای مختلط تعطیل شد، مراکز رفاه خانواده به تعطیل کشانده شدند و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود گردیدند.

در قانون کار جمهوری اسلامی، زنان متاهل فقط برای انجام کارهایی که مزاحم امور زناشویی آنها نباشد مناسب تشخیص داده شده اند و از این رو، استخدام آنها نیز منوط به اجازه و رضایت همسر است و برای محکم کاری، "قانون کار نیمه وقت"، زنان را پیش از پیش از تولید و فعالیت اجتماعی دور می کند. به موازات این، رعایت حقوق زنان کارگر و کارمند به میل کارفرما سپرده شده و در همین راستا، زن نمی تواند در موضع رهبری قرار گیرد و یا قاضی شود.

خانواده نیز به همین ترتیب محیطی مملو از تبعیض شد. به عنوان مثال زنان حتی از حق انتخاب محل زندگی خود نیز محرومند و باید در منزلی که شوهر تعیین می کند، سکنی گزینند.

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی حق حضور اجتماعی زن را نیز تماماً در اختیار مرد قرار می دهد. ماده ۱۱۳۳ قانون مزبور به روشن ترین وجه می گوید، هیچ محدودیتی در مقابل مرد وجود ندارد، هر زمان که اراده کند حتی به طور غیابی می تواند زن خود را طلاق دهد و ماده ۱۰۴۳ آن حتی ازدواج دختر را مشروط به اجازه پدر می داند.

وسواس جمهوری اسلامی در اعمال تبعیض علیه زنان حتی در آداب و حشویه سنگسار هم رعایت می شود. ماده ۱۰۲ " مجازات اسلامی " تشریح کرده است که مرد هنگام سنگسار باید تا نزدیک کمر و زن تا نزدیکی سینه در گودال دفن شود تا زن شانس کمتری برای فرار داشته باشد.

اکثریت زنان جامعه ی ما زنان محروم و کارگران فقیری هستند که نه در خانه حقوقی دارند و نه در محیط کار. از این رو مبارزه علیه مردسالاری باید تنها بخشی از مبارزه زنان و مردان عدالتخواه باشد. زیرا مبارزه اصلی، شرکت فعال برای برکناری حکومت ولایت فقیه، به دور ریختن قوانین ارتجاعی آن و برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی است. هیچ حکومت مذهبی و مستبدی حقوق زنان را رعایت نخواهد کرد.

برای سرنگونی رژیم ضد زن و ضد انسان ولایت فقیه تلاش می کنیم و به جنبش دموکراسی خواهی هر روز انرژی بیشتری می دمیم.

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۷

دیگر همسرش که همگی از طالبان بودند، واگذار می شود. عایشه حتی همسر خود را یک بار ندید زیرا او در حال جنگ در پاکستان بود. او در خلال دو سالی که با آنان زندگی می کند مانند یک زندانی مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می گیرد.

عایشه بالاخره تصمیم می گیرد که از خانه فرار کند و سه زن همسایه به او قول همیاری و کمک می دهند. عایشه زمانی که همراه با آن سه زن به قندهار وارد می شوند، متوجه می شود که آنها می خواهند او را بر مرد دیگری بفروشند. آن سه زن توسط پلیس دستگیر و به زندان می روند. عایشه نیز به دلیل فرار از خانه دستگیر و به سه سال زندان محکوم می شود. اگر چه فرار از خانه یک جرم محسوب نمی شود اما در مناطقی از افغانستان، با زن فراری از خانه همسر بدینگونه رفتار می شود.

حکم سه سال زندان عایشه با بخشش حامد کزازی به پنج ماه کاهش پیدا می کند. اما پدر شوهر عایشه او را پیدا کرده و به خانه برگرداند. این لحظه اولین باری است که عایشه، همسر خود را ملاقات می کند. همسر عایشه او را به دلیل بی احترامی به خانواده اش به دادگاه طالبان می برد. دادگاه در بالای کوه برگزار می شود و آنان فرمان می دهند تا گوش و بینی عایشه بریده شود. این حرکت وحشیانه توسط همسر وی انجام می شود و همانجا عایشه رها می شود تا جان دهد. اما او توسط یک گروه آمریکایی و "تشکل زنان برای زنان افغانستان پیدا می شود و مورد حمایت قرار می گیرد.

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، نود درصد از زنان افغانستان هدف خشونت خانگی قرار می گیرند. در افغانستان فقط هشت پناهگاه برای زنان وجود دارد که همه آنان نیز به صورت خصوصی اداره می شوند. بی بی عایشه، تنها یک نمونه از هزاران هزار زنی است که در سراسر دنیا مورد بدرفتاری قرار می گیرند و از این گونه آزار و اذیتها و بدتر از آن رنج می برند. تشکلهای مدافع حقوق زنان ابراز می دارند که نقض حقوق زنان در سال ۲۰۰۱ از سوی جهانیان مورد شکایت و سرزنش زیادی قرار گرفت اما آنان امروز در مقابل جنایت طالبان و گروههای دیگر سکوت کرده اند. زمانی که پنجاه درصد از جمعیت افغانستان که زنان هستند به سادگی توسط طالبان مورد تحقیر قرار می گیرند، حکومت کردن بسیار آسان می شود. آنان جمعیت بزرگ زنان را به بندگی و کنیزی گرفته اند. این پردگی را عایشه هر زمان که در آینه نگاه کند به یاد می آورد.

## رویدادهای هنری ....

بقیه از صفحه ۲۰

برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه با تاکید بر وضعیت نامعلوم جعفر پناهی، خواهان آزادی فوری او شد. فردریک میتران، وزیر فرهنگ فرانسه نیز به وضعیت "به شدت نگران کننده" آقای پناهی اشاره کرد. همزمان، آکادمی فیلم اروپا نیز به دستگیری جعفر پناهی به شدت اعتراض کرده است.

## موسیقی

## تحریم ارکستر تبلیغاتی از سوی دوستداران موسیقی

ارکستر سمفونیک تهران در تاریخ ۸ اسفند دومین اجرای خود را در تالار وحدت به روی صحنه برد و قطعاتی از آهنگسازان ایرانی و خارجی را اجرا کرد. این ارکستر، برنامه ویژه‌اش را برای جشنواره موسیقی فجر در حالی اجرا کرد که از سوی دوستداران موسیقی به علت سوءاستفاده تبلیغی رژیم از آن تحریم شده بود. به همین دلیل تقریباً نیمی از صندلیهای سالن و بالکنهای تالار وحدت خالی از جمعیت بود.

## درگذشت کمال خان هوت، میراث دار بزرگ آواز بلوچ

کمال هوت، شاعر و خواننده برجسته بلوچستان در سن ۶۸سالگی درگذشت. کمال خان هوت، خواننده برجسته و نوازنده تنبورک موسیقی مقامی بلوچستان دارای سبک خوانندگی حماسی و پهلوانی بود که از اصیل ترین و قدیمی ترین گونه های موسیقی بلوچی بوده و در بلوچستان رواج داشته و اعتبار و ارزش بسیاری نزد بلوچها دارد.

## نوازنده موسیقی "تحویل سال نو" در گذشت

علی اکبر مهدی پور دهکردی، نوازنده موسیقی "تحویل سال نو" در ایران درگذشت. شهرت دارد و موسیقی ویژه نوروز که به "نوروزنامه" شهرت دارد و هر سال در هنگام تحویل سال از رسانه های جمعی پخش می شود، پر مخاطب ترین و معروف ترین کار این نوازنده پیشکسوت سرنا و کرناست. از دیگر کارهای پر مخاطب این نوازنده موسیقی مقامی، اجرای موسیقی سریال روزی، روزگاری است.

## "آواز ماهیگیران" در جنوب انگلستان ضبط و منتشر می شود

کمپانی یونیورسال آلبومی از آوازهای محلی ملوانان و ماهیگیرهای دهکده ماهیگیری "کورنیش" را منتشر خواهد کرد. خواننده های گروه ده نفره "دوستان ماهیگیر" سالهاست که با هم آوازهای ملوانی می خوانند.

گروه "دوستان ماهیگیر" بعد از این که در کافه ای آواز خواندند، با پیشنهاد ضبط آلبومی از آوازهایشان توسط کمپانی یونیورسال روبه رو شدند.

## ترانه "همه رنج می کشند" رکورد پر فروشها را شکست

ترانه "همه رنج می کشند" که برای کمک به قربانیان زلزله هائیتی ساخته شده، در اولین هفته پس از انتشار، بیش از ۴۵۳ هزار نسخه فروخت. این تک آهنگ به سرعت به صدر جدول پر فروش ترین تک آهنگ های بریتانیا در هفته گذشته صعود کرده است.

در این ترانه تعداد زیادی از ستاره های موسیقی از جمله لتونا لوپس، رای ووليامز، جیمز بلانت، جان بون جووی، جیمز مورینسن، سوزان بویل، ماریا کری و تیک دت (Take That) خوانده اند.

مدیریت ضبط این محصول که بازخوانی ترانه ای از گروه آمریکایی R.E.M است، به عهده سایمون کاول بوده است.

سود حاصل از این فروش میان "کمیته پناهی طبیعی" و "برنامه کمک به هائیتی" روزنامه "سان" تقسیم خواهد شد.

## عکس

## جوایز بهترین عکسهای سال ۲۰۰۹ در زمینه اعتراضات مدنی

موسسه روزنامه نگاری "رینولدز" جوایز بهترین عکسهای سال ۲۰۰۹ در زمینه "اعتراضات مدنی" را به عکاسان خبری ایران داد. این عکسها از حوادث مربوط به راهپیمایی معترضان به نتایج انتخابات در ایران و حوادث آن تهیه شده بود.

حسن سربخشیان، عکاس خبری، عکسهای خبری در جریان برخورد با مخالفان دولت را "پاشنه اشیل دولت ایران" خواند. وی گفت: "عکاسان ایرانی با ثبت وقایع و انعکاس آن، ارزشهای حرفه ای خود را به اثبات رساندند و نشان دادند که تلاش دولت برای محدود ساختن عکاسی خبری در ایران نتیجه ای نخواهد داشت." موسسه "ورلد پرس فوتو" نیز عکسی به عنوان "معترضان بر بامهای تهران" متعلق به یک عکاس ایتالیایی را به عنوان برترین عکس خبری سال معرفی کرد.

همچنین مجموعه عکسهای یک عکاس فرانسوی از اعتراضات مخالفان دولت ایران هم برنده دومین مجموعه عکس سال "ورلد پرس فوتو" شد.

## جایزه روزنامه نگاری جورج پولک George Polk

پولک برای بهترین فیلمهای خبری در سال ۲۰۰۹ به تصویربرداری تلاشهای تعلق گرفت که با استفاده از گوشی تلفن همراه خود صحنه قتل ندا آقا سلطان را در جریان تجمع معترضان به نتیجه انتخابات ایران ضبط کرده و در دسترس جهانیان قرار داده بود. حسن سربخشی تصاویر تهیه شده توسط مردم عادی و با استفاده از گوشیهای تلفن همراه را آغاز راهی می داند که نشان داد تلاشهای سی و یک ساله دولت برای محدود ساختن مجاری رسمی اطلاع رسانی دیگر نمی تواند اثربخش باشد و مردم راهی را برای اطلاع رسانی پیدا کرده اند که هیچوقت متوقف نخواهد شد.

## ملاحسنی به عنوان مفاخر ملی ثبت می شود

روابط عمومی میراث فرهنگی آذربایجان غربی اعلام کرد که سرپرست، معاونان، مسوولین و مدیران میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی با حجت الاسلام غلامرضا حسنی، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه ارومیه دیدار کردند.

در این دیدار اسدالله علیزاده باراندوزی، سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی با اشاره به راهاندازی موزه ملی مشاهیر و مفاخر کشور اعلام کرد که در صورت موافقت امام جمعه ارومیه، نام وی به عنوان میراث زنده آذربایجان به همراه اسناد و تصاویری از سوابق علمی و مبارزاتی برای ثبت در این موزه ارسال شود.

## ادبیات

## هشتادمین سال تولد نصرت رحمانی ای اسپران چه کسی باز به پا می خیزد ...

نصرت رحمانی از آغاز دهه بیست سرودن شعر را آغاز نمود و در دهه ی سی به مرز شهرت رسید. علاوه بر سرودن شعر، گهگاه داستان نویسی می کرد و با نام مستعار "لولی" و "ترمه" در مجلات هفتگی مطالب خود را انتشار می داد.

نصرت رحمانی از نسل شاعرانی است که در پنج دهه شعر معاصر ایران حضوری فعال داشته است. او از نخستین شاعران عصر ماست که زبان مردم کوچه و بازار را وارد شعر کرد. رحمانی می گوید: "شعر یک امر کاملاً آزادی نیست. اگر نه، من دلم می خواهد شعرم به جای بوی باروت، عطر گل را داشته باشد. چه بسا کوشیده باشم در یک باغچهی شعرم گل یخ

بکارم اما یک وقت به خود آمده ام که بوی باروت تمام باغچه و حیاط و خانه ام را مال خود کرده بود. آدم باید خیلی با خودش و اطرافش غیرصمیمی باشد که در چنین دورانی و در جهانی چنین ظلمانی، خصیصه سیاسی بودن را از کارش کنار بگذارد. این کار آنقدر زحمت دارد که می شود گفت تقریباً غیرممکن است."

از آثار او می توان به کتابهای "کوچ صفی عیشاه"، "کوپر گوتنبرگ"، "ترمه اشرفی"، "میعاد در لجن نیل"، "حریق یاد زمان"، "شمشیر معشوقه"، "پایاله دور دگر زد"، "بیوه سیاه"، "کولی وحشی"، "مردی که در غبار گم شد" و "نامه های که هرگز به او نرسید" (مجموعه داستان) اشاره کرد.

زنده یاد نصرت رحمانی سالهای آخر عمر خود را در رشت در کنار همسرش، خانم پوران شیرازی و پسرش، ارش سپری نمود و در سال ۱۳۷۹، روز جمعه ۲۷ خرداد برابر ۱۶ جون ۲۰۰۰ دیده از جهان فرو بست.

لب اگر باز کنم زهر و خون می ریزد. ای اسپران چه کسی باز به پا می خیزد؟ چه کسی؟

\*\*\*

پیراهن من را بدر خانه بیاویز تا مردم این شهر بدانند، که بودم! جز راه عزیزان وطن ره نسپردم! جز نغمه ی آزادی، شعری نسردم!

## نبرد خلق

## ارگان سازمان چریکهای فدایی

## خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلیا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org



# NABARD - E - KHALGH

No : 297 21 March. 2010 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## گرامی باد یاد ۷ فدایی خلق و دو مجاهد خلق که در تپه های اوین به رگبار گلوله بسته شدند.

## رویدادهای هنری ماه

### لیلا جدیدی

#### سخن روز:

عاقل ترین فرد کسی است که قدر زمان را بداند - (بوهان ولفگانگ گوته)  
۱۷۴۹-۱۸۳۲) شاعر، ادیب، نویسنده، نقاش، محقق، انسان شناس، فیلسوف و سیاستمدار آلمانی. او یکی از کلیدهای اصلی ادبیات آلمانی و جنبش وایمار کلاسیک و همچنین رمانتیسیسم به شمار می رود.  
- آینده به کسی تعلق دارد که می داند چگونه منتظر باشد - موريس مترلینگ (۱۸۶۲ - ۱۹۴۹) نویسنده، شاعر و فیلسوف بلژیکی.

### فیلم

#### شورش کارگران معدن علیه انگلیسیها فیلم می شود

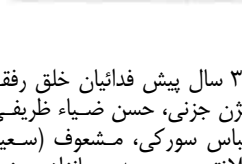
شورش کارگران معدن طلای استرالیا علیه ارتش بریتانیا در سال ۱۸۵۴ راه خود را به روی پرده سینماها باز می کند. این درام تاریخی ضد استبدادی را "اجر داندسن" کارگردانی می کند و با نام "افتخاری میان مردان" جلوی دوربین می رود.

داستان فیلم درباره یک برده فراری آمریکایی است که از شهر نیویورک به استرالیا می گریزد. وی در این کشور در یک معدن طلا مشغول به کار می شود. بزودی کارگران معدن علیه ارتش استعماری بریتانیا سر به شورش برمی دارند و این برده فراری هم درگیر شورش آنها می شود.

حدود ۴۰ درصد از هزینه ۲۵ میلیون دلاری تولید این فیلم را اداره توریسم استرالیا پرداخت می کند.

#### بازگشایی سینماهای عراق پس از ده سال

سالنهای سینمای عراق ده سال پس از آغاز حمله نظامی آمریکا به این کشور، با اکران فیلم عراقی "پزندگان زیر بالهای رحمت الهی" بازگشایی شد. این فیلم داستان یک خانواده عراقی است که مادر خانواده پس از برده شدن پدر و ترور پسرش از سوی گروههای تروریستی، برای حفظ و نجات خانواده اش تلاش می کند. از سال ۲۰۰۳ تا کنون ۸۰ سالن سینمای بغداد که در دهه ۷۰ ساخته شده بود، بسته شده بود.



۳۵ سال پیش فدائیان خلق رفقا، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، مشعوف (سعید) کلانتری، محمد چوپانزاده، عزیز سمرمدی، احمد جلیل افشار و دو مجاهد خلق، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل که در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه به زندانهای طولانی محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران زندان خود بودند، با رگبار گلوله مزدوران ساواک شاه در تپه های اوین به شهادت رسیدند.

## شهادت فدایی فروردین ماه

## یک رویداد غیر منتظره در اسکار ۲۰۱۰

در مراسم اعطای اسکار هشتاد و دوم، برای نخستین بار جایزه ی بهترین کارگردانی به یک زن رسید؛ زنی که با همسر سابق خود رقابت می کرد. کاترین بیکلو برای درام جنگی "فرمان مرگبار" (The Hurt Locker)، که با موضوع جنگ عراق ساخته شده، رقیب خود، "اوتار"، شاهکار جیمز کامرون (کارگردان فیلم "تایتنیک" که برنده ۱۱ اسکار شده بود) را که به عنوان پرفروش ترین فیلم تاریخ سینما شناخته شده، پشت سر گذاشت.  
فیلم آلمانی "روبان سفید" در بخش بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان نامزد دریافت اسکار شده بود.

جف بریجز و سندرا بالاک بهترین بازیگران نقش نخست مرد و زن شناخته شدند. بریجز ۶۰ ساله اسکار را برای ایفای نقش یک خواننده در فیلم "Crazy Heart" کسب کرد.

بولاک ۴۵ ساله نیز به خاطر بازی در نقش مادری از طبقه مرفه که پسر بچه ی سیاه پوست بی خانمانی را در خانواده می پذیرد و او را به یک فوتبالیست موفق تبدیل می کند، برنده جایزه بهترین نقش آفرین زن شد.

## بهمن قبادی در باره دستگیری جعفر پناهی

جعفر پناهی، فیلمساز مستقل ایرانی، در نخستین ساعات روز ۱۱ اسفند در منزلش و به همراه همسر، دختر و ۱۵ تن از میهمانانش بازداشت شد. بهمین قبادی، فیلمساز ایرانی می گوید همکارش از یک زندان بزرگ به یک زندان کوچک منتقل شده است. جعفر پناهی فیلمسازی است که تقریباً هیچیک از فیلمهایش در ایران اجازه اکران نگرفته است. فیلمهای "دایره"، "طلای سرخ" و "افساید" معروف ترین فیلمهای او هستند که در جشنواره های معتبری چون کن و ونیز برنده جایزه شدند.

این فیلمساز هیچگاه حاضر به حذف هیچ صحنه ای از فیلمهایش برای نمایش داخلی نشد و اکران نشدن فیلمهایش در داخل را به سانسور آنها ترجیح داد.

سایت تابناک نیز که گفته می شود به پاسدار محسن رضایی نزدیک است، در این مورد نوشت: "جعفر پناهی به همراه دوستان و همکاران خود در حال تهیه فیلمی علیه نظام بوده اند که با هوشیاری

رفقا: جواد سلاحی - حبیب مؤمنی - خشایار سنجری - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزنی - حسن ضیاء ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سمرمدی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمدرضا کامیابی - غزال (پریدخت) ایتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله سلسبیلی - ناصر توفیقیان - جلیل اراضی - بهرام آق اتابای - عطا خاتجانی - محمد آراز (بهرروز) - آراز محمد وردی پور - غفور عمادی - عبدالله صوفی زاده - بردی محمدکوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه - فیروز شکری - آنه بردی سرافراز - قربان (آرفا) شفیعی - فیروز صدیقی - نور محمد شفیعی - محمد رسول عزیزیان - پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

\*\*\*\*\*

دستگاه های امنیتی و با عملیاتی به هنگام، پرده از اقدامات آنان برداشته شد و وی به همراه همکارانش دستگیر شد.

## اعتراض محتاطانه عباس کیارستمی به بازداشت جعفر پناهی

کیا رستمی هم در مورد بازداشت جعفر پناهی ابراز نظر کرد. وی گفت: "اگر خط و خطایی از او سر زده مسوولیت آن متوجه سوو مدیریت و سیاست غلط مسوولین سینمایی وزارت ارشاد است که آن چنان راهها را بسته اند که راهی دیگر جز این باقی نمانده است که برای ساخت فیلم این چنین خود را به مخاطره بیاندازد."

وی افزود: "من شاید مدافع شیوه های تند و جنجالی جعفر پناهی نباشم اما می دانم آنچه او را به این بند انداخته نه یک انتخاب که یک اجبار ناگزیر بوده است."

## ادامه اعتراضات بین المللی به بازداشت فیلمساز ایرانی

در روزهای گذشته، بسیاری از محافل هنری و سیاسی غربی به بازداشت جعفر پناهی و همکاران او اعتراض کرده اند. بقیه در صفحه ۱۹

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم